

## **Feasibility study of ISIL state-building in the peripheral environment of the Islamic Republic of Iran until 2025 in the light of the strategic security model (Case Study: Afghanistan)**

**Mohammad Davand**<sup>1\*</sup>  
**Mohsen Islami**<sup>2</sup>

**Received on: 23/05/2020**  
**Accepted on: 02/11/2020**

### **Abstract**

Terrorist-takfiri groups, including ISIS, are one of the obstacles to the realization of the strategies of the Islamic Republic of Iran in the horizon of 2025 in the surrounding area. The research literature indicates; ISIL, like other terrorist groups such as al-Qaeda, continues to carry out "terror" and "takfir" in connection with the countries of the resistance for two main reasons: Curbing the political Islam of the Islamic resistance by extremism and curbing the goals of the Islamic Republic of Iran in the Islamic world and the West Asian region until 2025. On the other hand, the threats of ISIS from the western borders against the Islamic Republic of Iran have decreased and the defeat of ISIS has been caused by the series of operations of the Resistance Front so that transfer its terrorist-takfiri terrorist cells from the western borders of the Islamic Republic of Iran to the neighboring countries of eastern Iran. Now it's essential to ask this question "How (weak, possible, probable) is it possible for ISIS to become a state in Afghanistan by 1404?" Therefore, the main purpose of this article, is to investigate the possibility of state-building of ISIL, especially in Afghanistan as one of the countries that is suffering from political instability; The findings of this study are based on the analytical-descriptive method and future research indicates it; ISIL's statehood in Afghanistan, as one of Iran's eastern neighbors, is possible based on the country's geopolitical and field conditions. However, the ideology of ISIL is illegitimate and unacceptable in Afghan society, and this terrorist group does not have the same social status and historical background in Afghanistan as the Taliban. However, factors such as the presence of ISIL in this country, the political instability of Afghanistan and the possibility of ISIL allying with other takfiri and extremist groups, make it possible for ISIL to become a state in Afghanistan. Ultimately, confronting ISIS from the perspective of elites and research resources in the surrounding environment, including Afghanistan, is in the light of the application of material, institutional and ideological strategies.

**Keywords:** Iran, ISIS, Afghanistan, state-building, strategic security model, peripheral environment, perspective of 2025.

---

1\*. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Islamic Azad University, Shahid Haj Ghasem Soleimani Branch (Kerman) (Corresponding author: davand@iauk.ac.i)

2. Associate Professor of International Relations, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran. (Email: m.eslami@modares.ac.ir)

# امکان‌سنجی دولت‌سازی داعش در محیط پیرامونی ج.ا.ا

## ۱۴۰۴ در پرتو الگوی امنیت راهبردی

### (مطالعه موردی: افغانستان)

محمد داوند<sup>۱\*</sup>

محسن اسلامی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲

#### چکیده

گروه‌های تروریستی - تکفیری از جمله داعش یکی از موانع تحقق راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ در محیط پیرامون است. ادبیات تحقیق نشان می‌دهد؛ داعش به سان سایر گروه‌های تروریستی نظیر القاعده «ترور» و «تکفیر» را در ارتباط با کشورهای حوزه مقاومت به دو دلیل اصلی ادامه می‌دهد: مهار اسلام سیاسی مقاومت اسلامی با افراطی‌گری و مهار اهداف جمهوری اسلامی ایران در حوزه جهان اسلام و منطقه غرب آسیا تا ۱۴۰۴. از سویی، تهدیدات داعش از سمت مرزهای غربی علیه جمهوری اسلامی ایران روندی کاهنده طی کرده و شکست داعش به واسطه سلسله عملیات جبهه مقاومت باعث شده تا این گروه تروریستی هسته‌های تروریستی - تکفیری خود را از سمت مرزهای غربی جمهوری اسلامی ایران به کشورهای مجاور شرقی ایران انتقال دهد. حال طرح این پرسش ضروری است که «امکان دولت‌سازی داعش تا ۱۴۰۴ در افغانستان به چه میزان (ضعیف، ممکن، محتمل) است؟» لذا هدف اصلی این نوشتار، بررسی امکان دولت‌سازی داعش خاصه در افغانستان به عنوان یکی از کشورهایی است که از بی‌ثباتی سیاسی رنج می‌برد؛ است. یافته‌های این پژوهش بر مبنای روش تحلیلی - تجویری و آینده‌پژوهی نشانگر آن است؛ دولت‌سازی داعش در افغانستان به عنوان یکی از همسایه‌های شرقی ایران، بر اساس شرایط ژئوپلیتیکی و میدانی این کشور، ممکن است. اگرچه، ایدئولوژی داعش در جامعه افغانستان نامشروع و نامقبول است و این گروه تروریستی مانند طالبان از جایگاه اجتماعی و سابقه تاریخی در افغانستان برخوردار نیست. اما عواملی نظیر حضور داعش در این کشور، بی‌ثباتی سیاسی افغانستان و امکان ائتلاف داعش با سایر گروه‌های تکفیری و افراطی، امکان دولت‌سازی داعش در افغانستان را فراهم می‌کند. در نهایت مقابله با داعش از منظر نخبگان و منابع تحقیق در محیط پیرامونی از جمله افغانستان در پرتو کاربست راهکارهای مادی، نهادی و عقیدتی است.

**واژگان کلیدی:** ایران، داعش، افغانستان، دولت‌سازی، الگوی امنیت راهبردی، محیط پیرامونی، افق ۱۴۰۴.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهید حاج قاسم سلیمانی (کرمان) (صفحه ۳۱۴-۳۷۷)

(نویسنده مسئول: davand@iauk.ac.i)

۲. دانشیار روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران (m.eslami@modares.ac.ir)

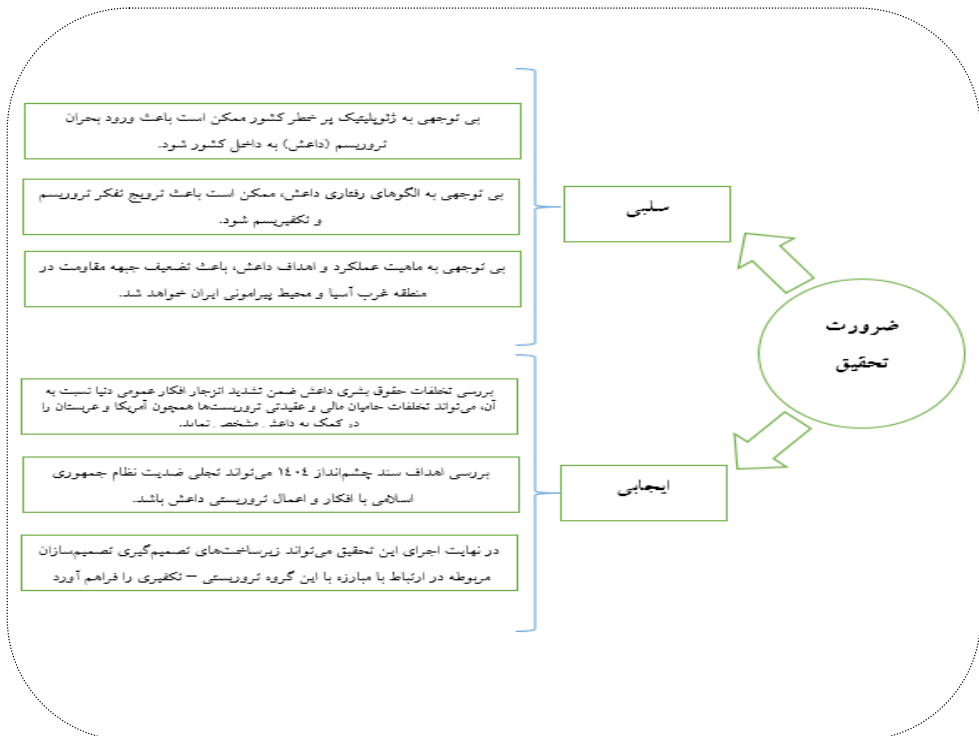
## مقدمه

انقلاب اسلامی در ایران یکی از نادرترین پدیده‌های اجتماعی در طول قرون اخیر است که از حیث تحولات داخلی و خارجی، هندسه، ابعاد و اضلاع، مناسبات قدرت را تغییر داده است. به عبارتی بهتر تغییر نگرش ملت ایران نسبت به پیشرفت و توسعه سبب شده تا اسناد بالادستی مانند سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، ضمن مطرود دانستن وابستگی به خارج، بر اهمیت اصل استقلال سیاسی، اقتصادی علمی و اجتماعی تأکید نماید. لذا این سند متأثر از اصول تجدیدنظرطلبانه انقلاب اسلامی جایگاه قدرت فعلی ایران در وجوه مختلف را کافی و بسنده نمی‌داند و در صدد ترسیم افقی است که در آن جمهوری اسلامی ایران در ۱۴۰۴ سرآمد کشورهای منطقه در زمینه‌های گوناگون باشد. در این بین آنچه که حائز اهمیت است آن که یکی از لوازم رسیدن به چنین هدفی، از بین بردن موانع آن است. لذا این دغدغه‌ها مطرح هستند که «داعش» به عنوان یک گروه تروریستی و تکفیری نوسلفی در تحقق اهداف سیاست خارجی ایران تا ۱۴۰۴، چه تهدیداتی در محیط پیرامون و حوزه دفاعی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ و در درجه بعد ریشه تهدیدات مزبور در چیست؟ و چرا این تهدیدات هنوز در حال تداوم است؟ در واقع، تحلیل تهدیدات و الگوی رفتاری مخاطرات گروه تروریستی- تکفیری داعش علیه جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام تا سال ۱۴۰۴، متضمن شناخت الگوهای رفتاری داعش به طور کلی است.

شواهد نشان می‌دهد؛ احتمال وقوع دولت‌سازی داعش در غرب کشور ضعیف است. در واقع در تحولات اخیر جهان اسلام، داعش به دلیل مبارزات مداوم مقاومت اسلامی، از وسعت سرزمینی‌اش کاسته شده و مناطقی که تحت اشغال این گروه تروریستی است؛ عاری از سکنه (مردم) است. همچنین در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به ویژه کشورهای عراق و سوریه از لحاظ تحولات سیاسی و اجتماعی از این ظرفیت برخوردار نیستند (همانند سال‌های نخستین ظهور و بروز گروه تروریستی داعش)؛ از داعش استقبال کنند. در ارتباط با شرق کشور<sup>۱</sup>، افغانستان با وجود داشتن مشکلاتی از قبیل بی‌ثباتی سیاسی، وجود فقر، نفوذ مؤثر منفی کشورهای نظیر ایالات متحده،

.....  
۱. در ارتباط با پاکستان نویسنده معتقد است: دولت پاکستان بر خلاف دولت عراق و سوریه در جبهه‌بندی مقاومت اسلامی قرار نداشته و در اغلب اوقات از اصول و راهبردهای کشورهای محافظه کار منطقه و قدرت‌های غربی تابعیت می‌کند و احتمال تثبیت داعش در این کشور بیشتر از سایر کشورها در محیط پیرامونی است.

عربستان سعودی و پاکستان در آن و وجود مدارس اسلامی افراطی، از این ظرفیت برخوردار است تا گروه تروریستی - تکفیری داعش با اشغال بخشی یا کل سرزمین آن مانند تجربه طالبان با جمعیت و حاکمیت مشخص، دولت تشکیل دهد. بنابراین ضرورت انجام تحقیق حاضر از دو منظر سلبی و ایجابی قابل بررسی است. حال سؤال اصلی طرح شده این است؛ «امکان دولت‌سازی گروه تروریستی - تکفیری داعش در جهان اسلام تا ۱۴۰۴ با تأکید بر حوزه پیرامونی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران به ویژه در افغانستان به چه میزان (ضعیف، ممکن، محتمل) است؟» روش تحقیق حاضر ترکیبی است: (۱) تحلیلی - تجویزی است: کلیه مراحل پژوهش به واسطه الگوی امنیت راهبردی انجام خواهد شد و (۲) آینده‌پژوهی از نوع تحلیل تأثیر روند و سناریونویسی است؛ ابزار گردآوریات نیز کتابخانه‌ای و پرسشنامه است.



### نمودار شماره ۱- ضرورت تحقیق

منبع: نویسنده

## الف. مروری بر پیشینه تحقیق

تحقیقات و پژوهش‌هایی که در ارتباط با داعش صورت پذیرفته‌اند و از جنبه‌های امنیتی و سیاسی قابل توجه هستند؛ در دسته‌های محافظه‌کار، علت‌محور، مقایسه‌ای، تهدیدمحور و آینده‌محور جای می‌گیرند.

### ۱- تحقیقات محافظه‌کار

محمدسالار کسرایی و سعیده داوری مقدم (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با نام «برآمدن داعش در غرب آسیا: تحلیلی جامعه‌شناختانه» بر این عقیده است که روابط موجود در نظام جهانی، نظام‌های سیاسی تبعیض‌آلود غرب و دیکتاتوری‌های منطقه غرب آسیا، رسانه‌ها و افکار پسا استعماری منجر به شکل‌گیری این گروه شده‌اند. نادر (۲۰۱۵)، در تحقیقی با نام «نقش ایران در عراق» که برای مؤسسه رند انجام داده است؛ مبارزه ایران با داعش را ناشی از وابستگی عراق به ایران می‌داند و از آن به عنوان یک مداخله آشکار یاد می‌کند. این مؤسسه سعی دارد؛ کمک‌های راهبردی ایران به عراق طی مبارزه با داعش را ناشی از جنگ هویتی (شیعه و سنی) قلمداد کرده و از اهمیت آن بکاهد. اکبرزاده (۲۰۱۵)، نیز در مقاله خود با عنوان «ایران و داعش: پرونده اکراه‌آمیز قدرت شیعه»، داعش را موردی اکراه‌آمیز برای ایران می‌داند که در آن ایران مجبور است؛ از متحدین منطقه‌ای خود یعنی عراق و سوریه دفاع کند. او بر این عقیده است؛ اگر جلوی اقدامات داعش گرفته نشود؛ دست رقیبان سنی ایران در منطقه بازتر خواهد شد. لذا جمهوری اسلامی ایران از روی اکراه خود را متعهد به مبارزه با داعش می‌بیند.

### ۲- تحقیقات علت‌محور

نجات (۱۳۹۵)، در کتاب کالبدشکافی داعش (ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها، و پیامدها) ماهیت و راهبردهای داعش، به چهار دسته از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری آن (تحولات داخلی داعش، بحران سوریه، نقش بازیگران منطقه‌ای و نقش بازیگران بین‌المللی) در سال‌های اخیر اشاره نموده است. حیدری (۱۳۹۴)، نیز در پژوهش خود با عنوان «کالبد شکافی جریان «داعش» بررسی زمینه‌های ذهنی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی» بیان می‌کند؛ تقویت ریشه‌های تفکر وهابیت و سلفی‌گری

با استفاده نادرست از عبارت‌های علمای شیعه و وارونه‌نمایی اعمال و رفتارهای مذهبی شیعیان و همچنین با ایجاد ترس‌های موهوم از آموزش‌های غربی در مدارس انجام پذیرفت. همچنین مورد حمایت دولت‌هایی قرار گرفت که این دولت‌ها از قدرت یافتن شیعیان در منطقه ترس غیر واقعی داشته‌اند.

### ۳- تحقیقات مقایسه‌ای

صالحی و مرادی نیاز (۱۳۹۵)، نیز در پژوهشی تحت عنوان «بنیادگرایی اسلامی داعش - القاعده: تمایزهای ساختاری و ایدئولوژیکی» بر این عقیده هستند؛ داعش در مقایسه با القاعده از خشونت لجام‌گسیخته بیشتری، راهبردهای (تاکتیک‌های) منظم و نوین جنگی و رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کند. بخشی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله خود با عنوان «بررسی ایدئولوژی تکفیری - وهابی دولت اسلامی عراق و شام (داعش)» می‌نویسند: در واقع، داعش بازگرداندن وهابیت محافظه‌کار سعودی به همان مسیر خشن و افراطی قدیمی است. توکلی و کریمیان کریمی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با نام «پیوند فکری تکفیری‌های داعش با حکومت امویان» بر این باورند؛ داعش با حکومت اموی در مقوله باورها، سنت‌ها و عملکردها، شباهت و همخوانی کلامی، فقهی و تاریخی آشکارتر و پیوند عمیق‌تری دارد.

### ۴- تحقیقات تهدیدانگار

اسفندیاری و طباطبایی (۲۰۱۵)، در مقاله خود با عنوان «سیاست ایران در قبال داعش» عنوان می‌کنند؛ داعش دشمن مشترک ایران، آمریکا و عربستان سعودی است و نابودی این دشمن در گرو همکاری این سه کشور است. در ارتباط با ایران، این کشور داعش را همانند گروه‌های تروریستی نظیر جیش العدل برخاسته از شرق کشور خطرناک قلمداد می‌کند و در حال مبارزه با آن در سوریه، عراق و سایر کشورهای منطقه است. خانی (۱۳۹۷)، در مقاله «داعش و نگاه ایرانی به امنیت منطقه‌ای؛ در جست‌وجوی چارچوبی تحلیلی» می‌نویسد: تهدیداتی از قبیل شیعه‌ستیزی، انتحارطلبی و عوامانه نمودن جهاد، قدرت‌افکنی منطقه‌ای داعش و توسعه تروریسم و ... از جمله تهدیدات مهمی هستند که امنیت جمهوری اسلامی ایران را با خطر مواجه می‌سازند. اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی (۱۳۹۵)، در تحقیقی تحت عنوان «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ» تهدیدات داعش را

از حیث سیاسی، براندازی حکومت ایران می‌داند. در بعد نظامی، بزرگترین تهدید اختلال در حفظ امنیت نسبی ایران است. در حوزه اقتصادی، فروش نفت خام داعش در بازار سیاه و تبعات آن برای ایران مهم‌ترین تهدید است. در حیطه اجتماعی، اختلاف‌افکنی داعش بین شیعه و سنی در کانون توجه است و در بخش زیست‌محیطی، تخریب آثار باستانی و مذهبی مد نظر نویسندگان است.

## ۵- تحقیقات آینده‌محور

اخوان کاظمی و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله «آینده‌پژوهی گروه‌های تکفیری و تأثیر آنها بر منازعات منطقه ای در غرب آسیا» پنج سناریو مطرح می‌نمایند: الف. سناریوی مطلوب: نابودی نهایی اسلام‌گرایان تکفیری و تقسیم دموکراتیک قدرت با رهبری تشریفاتی بشار اسد و سرکوبی گروهک‌های تکفیری و حاکم شدن حکومت جمهوری اسلامی، به جای حکومت جمهوری عربی سوریه و جمهوری عراق، ب. سناریوی محتمل: به شمول نابودی داعش و تقسیم قدرت داخلی میان کردها، شیعیان و سنی‌ها در سوریه و تجزیه عراق و استقلال کردستان عراق، ج. سناریوی ممکن که عبارت است از تسخیر بغداد و بیروت و تشکیل حکومت موسوم به حکومت اسلامی توسط گروهک‌های تکفیری. سمیعی و سیف‌آبادی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با نام «آینده گروهک‌های تکفیری و راهکارهای ثبات بخش دولت سوریه و عراق» این سناریوها را ارائه داده‌اند: الف) سناریوهای مطلوب: نابودی کامل گروه‌های تکفیری و شکل‌گیری حکومت‌های دموکراتیک در کشورهای درگیر منازعه بر اساس مدل تقسیم قدرت؛ سرکوب موقتی گروه‌های تکفیری و حاکم شدن مدل حکومتی جمهوری اسلامی عربی (ماندن بشار اسد در مسند ریاست جمهوری)؛ ب) سناریوهای محتمل: خارج شدن گروه‌های تکفیری - تروریستی از داعیه‌داری تشکیل حکومت؛ تجزیه سوریه، عراق، لیبی و سایر کشورهای درگیر بحران و شکل‌گیری بازیگران جدید در صحنه معادلات منطقه؛ ج) سناریوی ممکن: پیشروی نیروهای تکفیری مدعی حکومت اسلامی و تسخیر سرزمین‌های بیشتر.

## ۶- تحلیل و نقد

در مجموع در ارتباط با آثاری که درباره تروریسم و افراط‌گرایی اسلامی به طور عام و گروه تروریستی - تکفیری داعش به طور خاص انجام پذیرفته، نکاتی قابل ذکر است. از آنجایی که رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل خاستگاهی غربی دارد و در کشورهای غربی تثبیت و ترویج یافته

است؛ قاعدتاً جریان علمی، سیاسی در ارتباط با «تروریسم» با مجامع و نهادهای قدرت در غرب پیوند خورده و تحت تأثیر تدابیر و راهبردهای اصلی نظام حاکم بر سیاست بین‌الملل قرار می‌گیرند. به طور واضح، نتیجه چنین پیوندی قرائتی محافظه‌کار از تحولات «تروریسم» و «افراطی‌گری» است. در قرائت رسمی که بیشتر پژوهشگران خارجی و داخلی نیز پیرو آنند، بر این نکته تأکید می‌گردد که «تروریسم» بیش از آنکه ریشه خارجی داشته باشد؛ منبعث از بحران‌های داخلی کشورهای اسلامی و به طور عمده در پاسخ به مشکلات داخلی جهان اسلام است. به عنوان نمونه، در بسیاری از تحقیقات صورت گرفته رشد رادیکالیسم در افغانستان و پاکستان در دهه ۱۹۸۰ م. ناشی از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، تلقی می‌گردد. این در حالی است که قرائت رسمی و محافظه‌کار هرگز این سناریو را مطرح نمی‌کند که رشد رادیکالیسم در دهه ۸۰ م می‌تواند؛ به عنوان یک ابزار راهبردی برای کنترل انقلاب ایران در منطقه غرب آسیا جهت اشاعه تجدیدنظرطلبی باشد. به همین منوال، در تحقیقات محافظه‌کار، توصیف و تبیینی از نقش دستگاه‌های اطلاعاتی غربی در تثبیت و ترویج گروه تروریستی - تکفیری داعش مطرح نمی‌شود و رویارویی ایران و داعش فقط از زاویه مباحث اعتقادی بررسی می‌گردد.

در این تحقیقات زمانی که به سنجش گروه‌های افراطی با یکدیگر پرداخته می‌شود؛ از نقش قدرت‌های غربی در حدود و ثغور فعالیت این گروه‌ها چشم پوشیده می‌شود و بیشتر به جنبه‌های عقیدتی و نحوه رفتار و عملکرد هر یک از حیث اهداف آنها در حوزه جهان اسلام توجه می‌گردد. برای مثال، در مقایسه گروه داعش با القاعده به حمایت ایالات متحده در تحکیم و ترویج فعالیت‌های تروریستی آنها اشاره نمی‌شود و بیشتر میزان خشونت هریک از آنها با یکدیگر مقایسه می‌گردد. همچنین در پژوهش‌هایی که به داعش به عنوان یک تهدید برای جمهوری اسلامی ایران نگریسته شده است؛ به جریان‌شناسی داعش عنایت نشده، از نظریه‌های غربی که در تحلیل تهدیدات نابسند هستند؛ استفاده گردیده و به آینده تهدیدات این گروه تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته نشده است. در نهایت در ارتباط با تحقیقاتی که درباره آینده داعش در جهان اسلام هستند؛ باید گفت؛ این آینده‌انگاری اول، در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران نیست؛ دوم، به علت عدم بررسی خاستگاه و ریشه‌های داعش، به این گروه تروریستی وزن بیش از حدی داده شده است و سوم، به ژئوپلیتیک خاص دو کشور افغانستان و پاکستان در آینده این گروه تروریستی در جهان اسلام عنایت نگردیده است.



## ب- مبانی نظری و روش

### ۱- تمهیدات مفهومی: الگوی امنیت راهبردی و چشم انداز تهدیدات داعش تا ۱۴۰۴

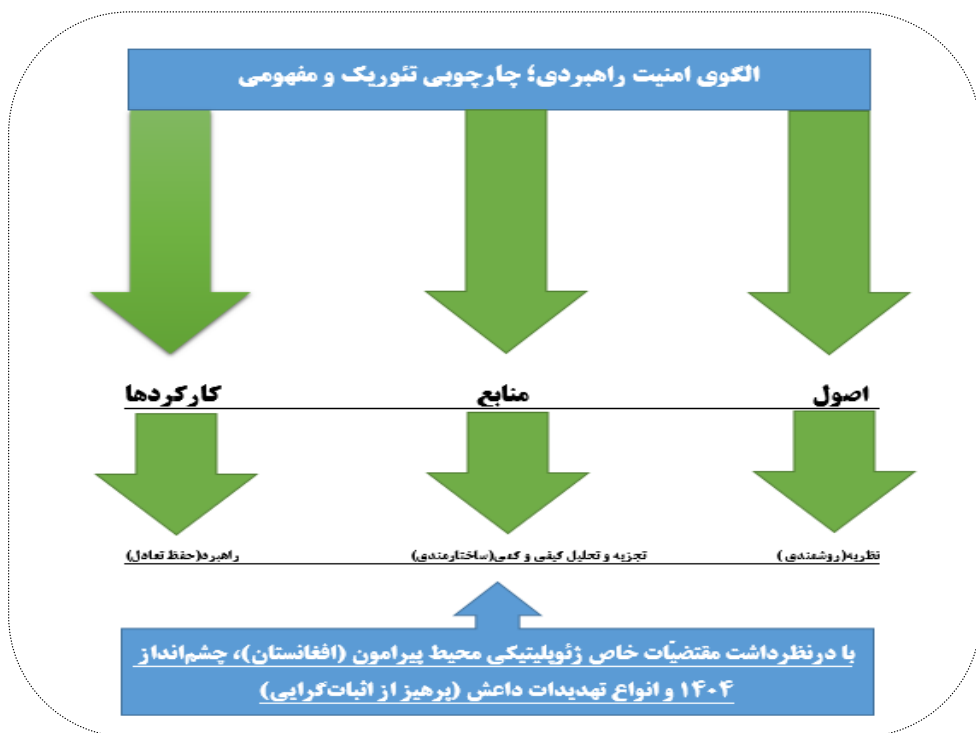
«امنیت راهبردی»<sup>۱</sup> به مثابه یک الگو اولین بار به واسطه کالوی ماکینن در روابط بین‌الملل در کالج دفاع ملی فنلاند، مطرح گردید. ماکینن تأکید دارد؛ مفهوم امنیت راهبردی تلاشی برای تعدیل پیچیدگی‌های ابعاد چندبعدی حوادث [یا به عبارتی بهتر تهدیدات] است که ریشه در مطالعات نظری دارد. امنیت راهبردی یک مفهوم با متغیرهای عمودی (حاکمیتی) و افقی (غیر حاکمیتی) است. پیچیدگی‌های تغییرات محیطی بر توازن موضوعات و دغدغه‌های مربوط به آن تأثیر می‌گذارد. بنابراین حفظ تعادل اصلی‌ترین چالش امنیت راهبردی در تمام سطوح یک سازمان است (Mäkinen, 2005). شلدون گریوز اشاره دارد؛ «امنیت راهبردی» واژه‌ای است که در بخش‌های متفاوت امنیتی جهانی مطابق با شرایط زمانی و مکانی مختلف به کار می‌رود. [لذا می‌توان از آن در مبحث علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و علوم راهبردی و امنیتی استفاده نمود] (Greaves, 2008: 14).

نویسنده برای الگوی امنیت راهبردی، اصول، منابع و کارکردهایی مشخص می‌کند. منظور از اصول، قواعدی است که عدول از آنها در هر شکل، عدول از مرزهای الگوی امنیت راهبردی است. از طرفی، منابع و کارکردهای الگوی امنیت راهبردی مختص به این پژوهش است و تعریفی را در بر می‌گیرد که مقتضیات نظری و عملی تحقیق به آن دامن می‌زند. از این حیث منابع الگوی امنیت راهبردی، آبخورهایی هستند که مرزها و شبکه الگوی امنیت راهبردی در ارتباط با تهدیدات داعش علیه ایران را مشخص می‌نماید. در نهایت کارکردهای الگوی امنیت راهبردی، به ساماندهی منابع و ساختارمندی آنها در جهت هدف اصلی تحقیق می‌پردازند.

از این حیث، اصول الگوی امنیت راهبردی عبارت اند از: (۱) درنظرداشتن مباحث نظری و فرانظری غربی و بومی و تطبیق آنها با تهدیدات داعش، (۲) درنظرداشتن مسائل و دغدغه‌های کلان و خرد؛ (۳) شناسایی دغدغه و معضل بر اساس شرایط مکانی و زمانی، (۴) فرا رفتن از اصول اثبات‌گرایی و در نهایت (۵) ارائه راهبرد برای جلوگیری از تنش و حفظ تعادل. مهم‌ترین منابع الگوی امنیت راهبردی شامل چهار مؤلفه هستند: (۱) چرایی تهدیدات داعش علیه ایران در حوزه دفاعی، (۲)

تشخیص مصادیق تهدیدات داعش علیه جمهوری اسلامی ایران، (۳) پیش‌بینی وضعیت آینده تهدیدات داعش در حوزه دفاعی ج.ا.ا. و (۴) تطابق یافته‌های پیشینه پژوهش و نظر کارشناسان با استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری.

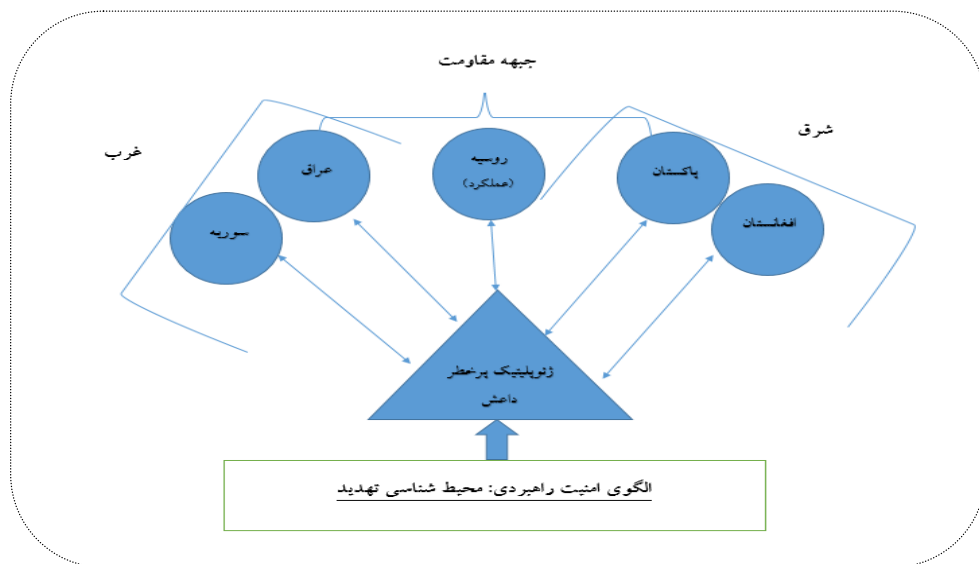
کارکردهای الگوی امنیت راهبردی، به ساماندهی منابع و ساختارمندی آنها در جهت هدف اصلی تحقیق می‌پردازند. کارکرد الگوی امنیت راهبردی ضمن در نظر داشتن محذورات و مقصورات داعش و کشور، به منظور ارائه راهبرد جهت کاهش تهدیدات داعش، بر اساس مطالعات نظری است. لذا هدف الگوی امنیت راهبردی، ارائه راهکار به منظور تأمین امنیت پایدار منطقه‌ای است. برای تحقق این هدف، الگوی امنیت راهبردی به ۴ عامل محیط‌شناسی تهدیدات داعش، زمان‌شناسی تهدیدات داعش، انواع تهدیدات داعش و علت استمرار تهدیدات داعش در حوزه پیرامونی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران توجه ویژه‌ای داشت.



نگاره شماره ۲- الگوی امنیت راهبردی احصاء شده از ادبیات پژوهش

منبع: نویسنده

در ارتباط با محیط‌شناسی تهدیدات داعش، پیشینه پژوهش و ادبیات تحقیق (منابع الگوی امنیت راهبردی) نشان می‌دهد؛ اول، تهدیدات داعش از سمت مرزهای غربی علیه جمهوری اسلامی ایران روندی کاهنده طی کرده و کشورهای همسایه غربی با توجه مقتضیات محیط داخلی و حمایت جبهه مقاومت از آنها در برابر داعش، از آسیب‌پذیری اولیه برخوردار نیستند. دوم، شکست داعش به واسطه سلسله عملیات جبهه مقاومت باعث شده تا این گروه تروریستی هسته‌های تروریستی - تکفیری خود را از سمت مرزهای غربی جمهوری اسلامی ایران به کشورهای مجاور شرقی ایران انتقال دهد. سوم، فعالیت و عملیات داعش از سمت مرزهای شرقی به گستردگی فعالیت آن از سمت مرزهای غربی نیست. اما عدوات داعش با جمهوری اسلامی ایران و اهداف آن (به طور خاص در اینجا قدرت برتر منطقه تا ۱۴۰۴) سبب شده تا این گروه تروریستی به واسطه ترور و ایجاد وحشت، در مقابل راهبرد تجدیدنظرطلبانه جبهه مقاومت و متحدان آن (روسیه) مبارزه نماید.

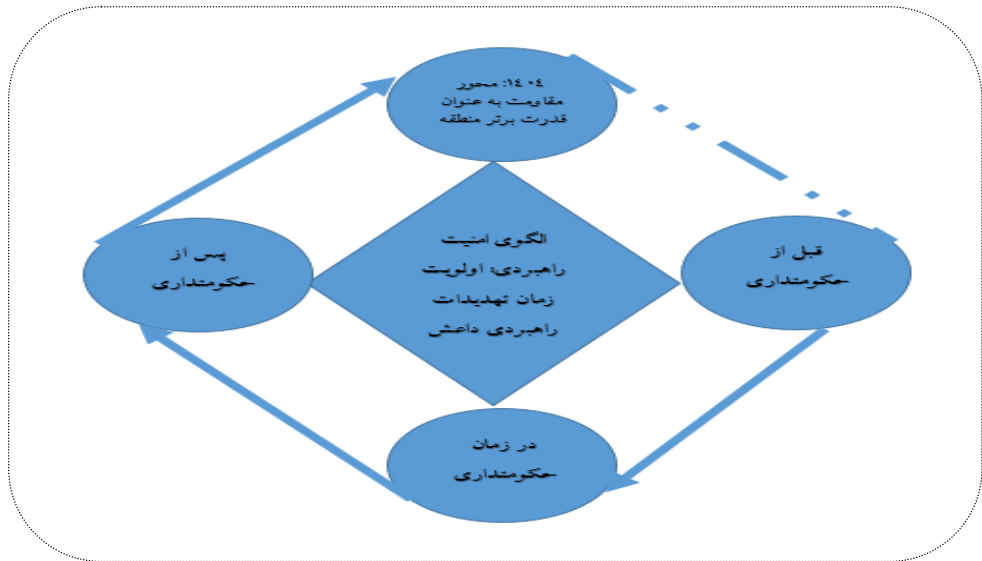


### نگاره شماره ۳- محیط‌شناسی تهدیدات داعش بر اساس الگوی امنیت راهبردی

منبع: نویسنده

در ارتباط با زمان شناسی تهدیدات داعش، پیشینه پژوهش و ادبیات تحقیق نشان داد می‌دهد؛ کارویژه اصلی داعش قبل از حکومتداری، عملیات انتحاری، متابعت از دستگاه‌های اطلاعاتی نظام سلطه، ترور و گسترش وحشت برای اثبات موجودیت خود بوده است. در زمان حکومتداری این

گروه تروریستی، به سازماندهی تشکیلاتی پرداخت؛ ایجاد ارباب را به شکل ساختارمند و هدفمند ادامه داد؛ مبادرت به اشغال قسمت‌هایی از سرزمین‌های اسلامی نمود و به جذب افراد بیشتری پرداخت. و در زمان پس از حکومتداری گروه تروریستی تکفیری- داعش مجدد مبادرت به ایجاد هسته‌های ترور و ارباب در بیشتر کشورهای مسلمان نموده است. اشتباه است؛ اگر گمان گردد که داعش از عواقب خشونت بی‌حدّ و اندازه خود در زمان پس از حکومتداری (ترور و وحشت) نا آگاه است. در واقع، داعش به سان سایر گروه‌های تروریستی نظیر القاعده «ترور» و «تکفیر» را در کشورهای محور مقاومت (محیط پیرامونی و حوزه دفاعی ایران) به دو دلیل اصلی ادامه می‌دهد؛ مهار اسلام سیاسی مقاومت اسلامی با افزایش آسایش به اصطلاح اسلامی و مهار اهداف جمهوری اسلامی ایران در حوزه جهان اسلام و منطقه غرب آسیا (قدرت برتر منطقه) تا ۱۴۰۴.



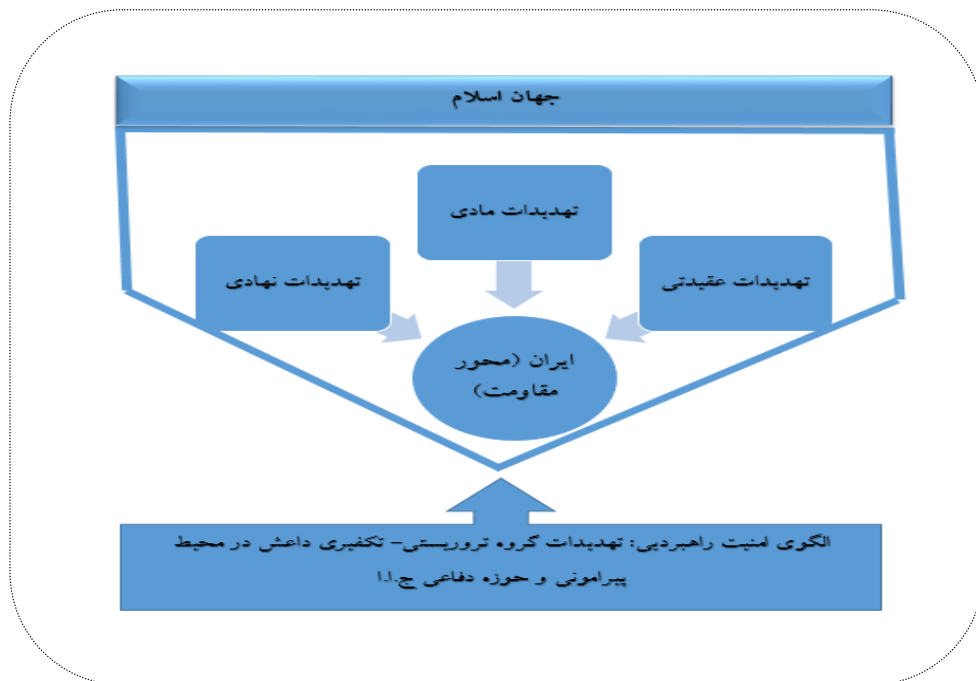
### تکراه شماره ۴- زمان‌شناسی تهدیدات داعش بر اساس الگوی امنیت راهبردی احصاء شده از ادبیات پژوهش

منبع: نویسنده

در ارتباط با انواع تهدیدات داعش، پیشینه پژوهش و ادبیات تحقیق (منابع الگوی امنیت راهبردی) نشان می‌دهد؛ دامنه تهدیدات مادی داعش، شامل حمله تروریستی به شهروندان غیر نظامی ایرانی، تهدیدات سرزمینی، تهدیدات اقتصادی و تحركات تروریستی در مرزهای شرقی و غربی و ... می‌شود.

دامنه تهدیدات نهادی داعش شامل جنگ در کشورهای جبهه مقاومت، نظیر عراق و سوریه و مبارزه استراتژیک با ایران یعنی روسیه در منطقه است. نهادینه شدن این امر می‌تواند جبهه مقاومت را «کمرشکن» کرده، محور اصلی مقاومت (ایران) را از بدنه یعنی سوریه و لبنان و فلسطین جدا سازد و یک شکاف راهبردی به وجود آورد.

تهدیدات عقیدتی داعش، به طور عمده تصویرسازی مخدوش گفتمانی از اسلام سیاسی ناب محمدی (ص) است. در همین راستا گفتمان داعش، مفاهیمی از جمله «حاکمیت الهی»، «برپایی حکومت اسلامی»، «ظلم‌ستیزی»، «جهاد» و «شهادت» را که از مفاهیم اصلی گفتمان اسلام سیاسی هستند؛ به‌گونه‌ای نمایش می‌دهد که چهره‌ای خشونت‌آمیز از اسلام به جهانیان ارائه می‌کند. در نتیجه نظام سلطه عملیات تروریستی داعش را با ارزش‌های واقعی اسلام، همسان جلوه می‌دهد و بدین ترتیب یکسان‌نگاری مزبور باعث می‌شود تا ارزش‌های حقیقی جمهوری اسلامی ایران (محور مقاومت) نزد افکار عمومی، خدشه‌دار شود.



نکاره شماره ۵- انواع تهدیدات داعش بر اساس الگوی امنیت راهبردی

منبع: نویسنده

## ۲- چشم‌انداز ۱۴۰۴ و تهدیدات تحقق راهبرد ج.ا.ا در منطقه

سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، سندی جهت‌تیین افقی برای توسعه ایران در زمینه‌های مختلف فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که به پیشنهاد محسن رضایی، توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین شده‌است. اجرای این چشم‌انداز از سال ۱۳۸۴ و در قالب چهار برنامه توسعه ۵ ساله انجام می‌گیرد. سال ۱۴۰۴ خورشیدی (۲۰۲۵ میلادی) افق چشم‌انداز است.

### ۱-۲- اهداف سند چشم‌انداز

سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ متأثر از راهبرد دگرگونه ایران در روابط بین‌الملل، توصیه به شناسایی تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران در مسیر تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه نموده‌است. «جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ شمسی کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.... دست یافتن به اهداف این سند نیازمند محیط امن و با ثبات است که موجبات توسعه ایران و نیل به جایگاه اول اقتصادی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی را نوید می‌دهد» (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۳۶).

#### جدول ۱- اهداف اصلی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

منطقه‌گرایی در غرب آسیا	دستیابی به جایگاه برتر اقتصادی در منطقه
الهام بخشی در جهان اسلام	دارای هویت اسلامی و انقلابی
تعامل سازنده در روابط بین‌الملل	توسعه یافتگی
برخوردار از رفاه	امن و مستقل
فعال و مسئولیت‌پذیر	دستیابی به جایگاه برتر علم و فناوری در منطقه

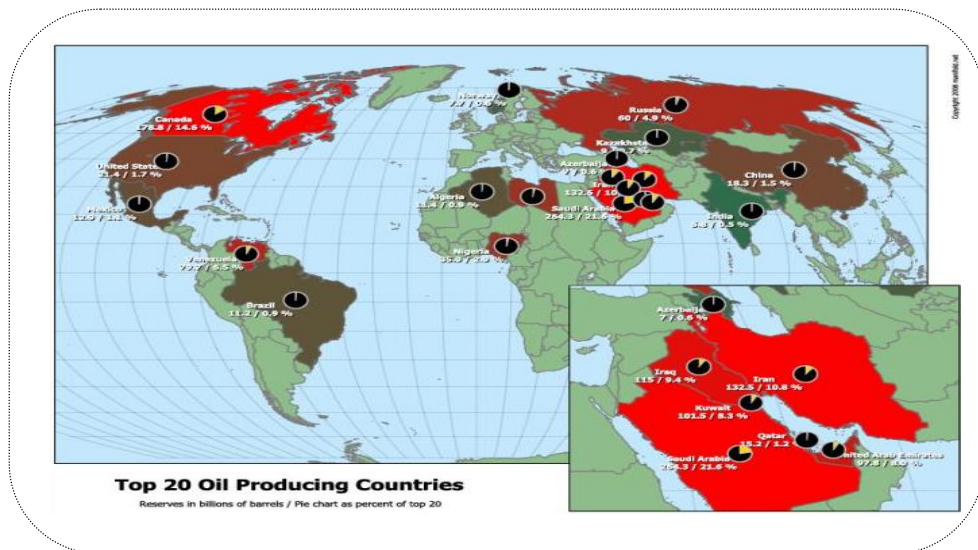
منبع: نویسنده

اگر متن سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، با تأمل بررسی گردد؛ در سرتاسر این سند از امور فرهنگی، علمی،

اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی گرفته تا ملاحظات مربوط به مناسبات روابط خارجی، به دفع تهدید و پیشگیری از تنش با نگاهی آینده‌پژوهانه، عنایت خاصی گردیده است. برای نمونه مولفه‌هایی نظیر: «تعمیق روحیه دشمن‌شناسی و شناخت ترفندها و توطئه‌های دشمنان علیه انقلاب اسلامی و منافع ملی، ترویج روحیه ظلم‌ستیزی و مخالفت با سلطه‌گری استکبار جهانی»؛ «ارتقای توان دفاعی نیروهای مسلح بازدارندگی ابتکار عمل و مقابله مؤثر در برابر تهدیدها و حفاظت از منابع ملی و انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور»؛ «ثبات در سیاست خارجی براساس قانون اساسی و رعایت عزت، حکمت و مصلحت و تقویت روابط خارجی از طریق گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورها، تقویت روابط سازنده با کشورهای غیر متخاصم»، حاکی از این است که سند چشم‌انداز ضمن درنظرداشتن مقدرات مادی و معنوی جمهوری اسلامی ایران، به محیط امنیتی ایران در سطح منطقه و تهدیدات متصور علیه آن توجه ویژه‌ای داشته است.

## ۲-۲- سند چشم‌انداز و تروریسم

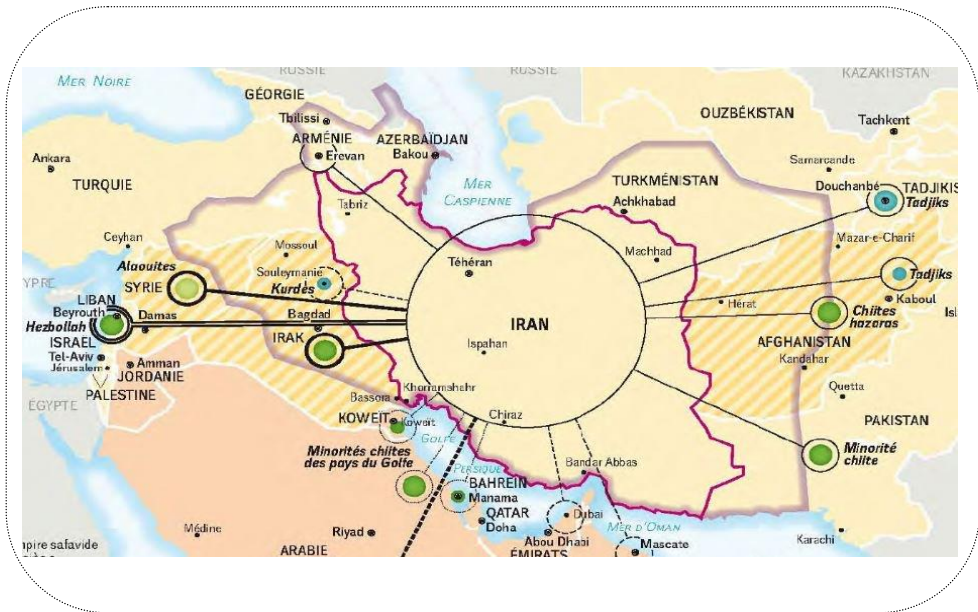
ایران با توجه به واقع شدن در محل تلاقی قاره اروپا و آسیا، دسترسی به آبهای زاد، منابع غنی انرژی، ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، تمدنی، جمعیتی، هویتی و ژئوپلیتیکی، موقعیتی راهبردی در غرب آسیا دارد.



## نگاره شماره ۶- موقعیت محیط پیرامونی ایران در تولید سوخت فسیلی

منبع: جنوبی، ۱۳۹۳

ضمن آنکه از حدود ۴ دهه گذشته به این سو، انقلاب ایران با به هم زدن ساختار سنتی، موجب احیای فرهنگ اسلامی و تغییر در سیاست خارجی ایران شده و نقش جدیدی از ایران به عنوان بازیگر مهم در سطح منطقه جنوب غرب آسیا و نظام بین‌الملل ترسیم نموده است.



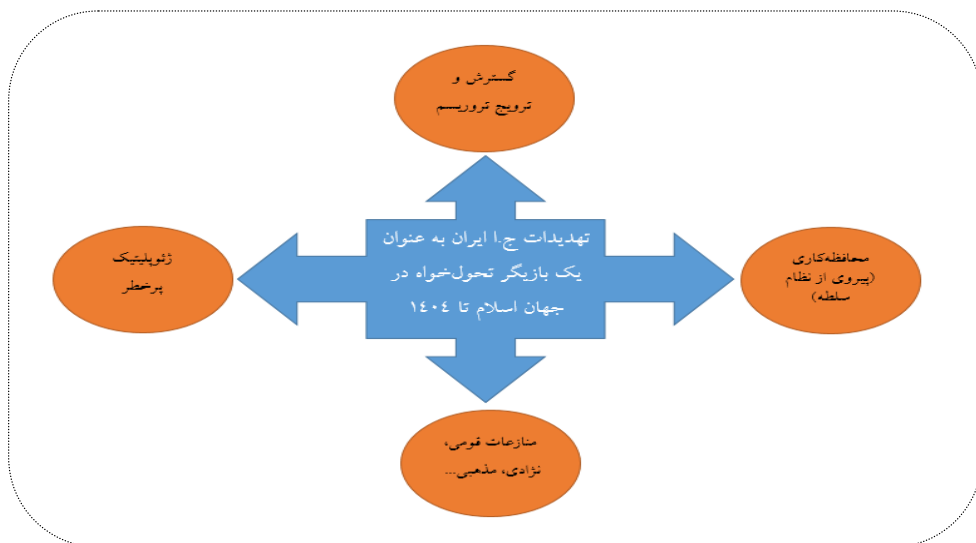
## نگاره شماره ۷- نفوذ ایران در مناطق همجوار

منبع: شهسوار، ۲۰۱۸

از اینرو در سال ۱۳۸۲، در راستای تجدید نظرطلبی جمهوری اسلامی ایران در سیاست بین‌الملل، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۲۰ ساله تدوین و از سال ۱۳۸۴ با ابلاغ آن از سوی مقام معظم رهبری به نهادهای ذیربط، مبنای قانون تصمیمات راهبردی و اقدامات مجریان گردید (اکرمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۳۴). در این میان، یکی از تهدیداتی که تا ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران و محیط پیرامونی تحت الشعاع خود قرار داده است؛ اقدامات گروه تروریستی - تکفیری داعش است. جوادی ارجمند می‌نویسد: صرف نظر از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، اعلان اهداف راهبردی



چشم انداز مبنی بر کسب برتری قدرت در منطقه، تهدید امنیتی از نگاه رقبا و دشمنان را تشدید می‌کند. به عبارت دیگر علائم برهم خوردن توازن قدرت در فضای رقابت، درک تهدید را افزایش خواهد داد. در چنین فضایی باید انتظار داشت که تهدیدشونده، اقدامات پیشگیرانه، کنترلی و مقابله‌ای را در دستور کار خود قرار دهد. بنابراین هدف اصلی سند چشم‌انداز یعنی «قدرت برتر منطقه»، با موانع، چالش‌ها و تهدیدات دشمنان درگیر خواهد بود (جوادی ارجمند، ۱۳۸۸: ۷۹).



#### نگاره شماره (۸) - تهدیدات جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام تا ۱۴۰۴ احصاء شده از ادبیات امنیتی غرب آسیا و دغدغه‌های سند چشم‌انداز

منبع: نویسنده

بنابراین سند چشم‌انداز در راستای اهداف اصلی انقلاب اسلامی، ساختار سیاسی، نحوه توزیع قدرت و نحوه چینش بازیگران روابط بین‌الملل در این ساختار را بر نمی‌تابد که این مهم علاوه بر فرصت‌ها، تهدیدهایی نیز برای جمهوری اسلامی ایران در پی دارد.

لذا سه محور اصلی در ارتباط آینده تهدیدات تروریسم علیه جمهوری اسلامی ایران در این تحقیق حائز اهمیت هستند. تأثیر ابعاد قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه؛ واکنش نظام بین‌الملل و خرده نظام‌های تابعه آن در برابر راهبرد دگرگونه ایران در جهان اسلام و چیستی تهدیدات گروه تروریستی - تکفیری داعش در برابر قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران. حال باید

دید که الگوی امنیت راهبردی چگونه به پرسش‌های مزبور پاسخ می‌دهد. در پایان این بخش از نوشتار در جدول زیر سعی شده تا ارتباط اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ با الگوی امنیت راهبردی در ارتباط با شناسایی، ریشه‌یابی، چیستی و آینده تهدیدات در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران تعیین گردد.

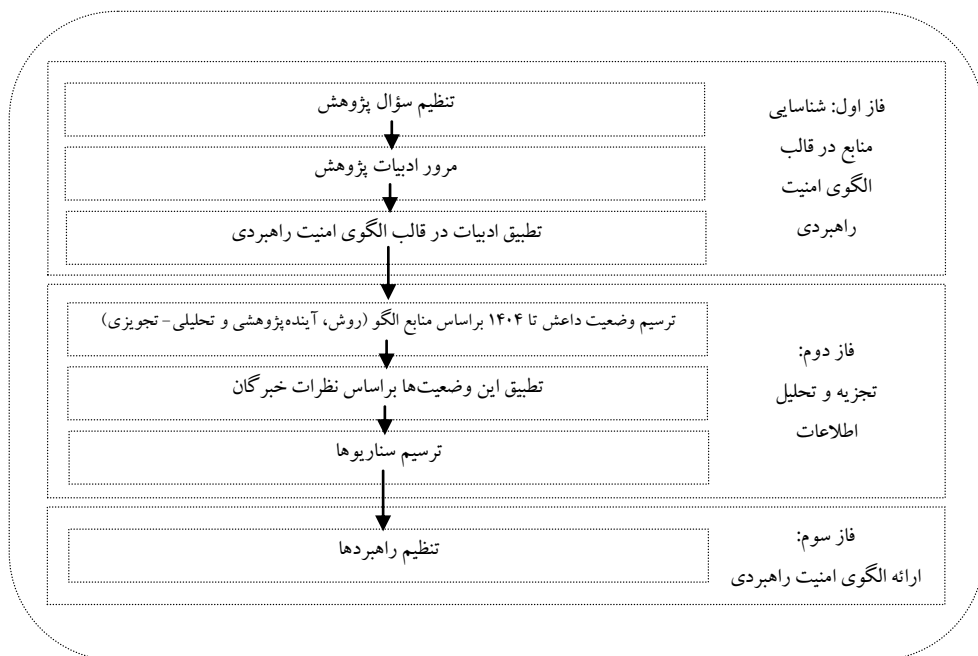
**جدول شماره (۲) - داعش در چشم‌انداز ۱۴۰۴**

امنیت راهبردی		چشم‌انداز ۱۴۰۴
تمایل از غرب به شرق قبل، حین و بعد از حکومتداری	اصول الگو	محیط شناسی تهدیدات داعش؟
		زمان شناسی تهدیدات داعش؟
اشتراک اهداف با نظام سلطه مادی، نهادی و ایدئولوژیک	منابع الگو	چرایی تهدیدات؟
		چیستی تهدیدات
		کارکردها: ارائه راهبرد

منبع: نویسنده

### ۳- روش شناسی

روش تحقیق در این پژوهش اول: تحلیلی - تجویزی است؛ چرا که اول همه مراحل تحقیق از مجرای الگوی امنیت راهبردی انجام (مبانی نظری و ارائه سناریوی اولیه) و در نهایت منجر به ارائه راهبرد برای کاهش تهدیدات گروه تروریستی - تکفیری داعش خواهد شد و دوم، آینده‌پژوهی از نوع تحلیل تأثیر روند و سناریونویسی (تجزیه و تحلیل اطلاعات) است. برای انجام این روش که کاربرد آن در منابع الگوی امنیت راهبردی است؛ دو مرحله اصلی باید طی شود: در مرحله اول با استفاده از داده‌های موجود درباره موضوع مورد مطالعه باید یک برون‌یابی انجام داد تا به یک پیش‌بینی اولیه دست یافت. سپس با استفاده از نظر خبرگان رویدادهایی که در آینده احتمال وقوع دارند؛ شناسایی می‌شود و با اعمال تأثیر آن بر روی پیش‌بینی انجام گرفته اولیه، به نتایج دقیق‌تری دست پیدا کرده و مبادرت به نوشتن سناریو شد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۳). ابزار گردآوری‌ها نیز کتابخانه‌ای و پرسشنامه است؛ همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها به شکل کیفی و استفاده از نرم‌افزار اسپس‌اس<sup>۱</sup> است.



### تکراره شماره (۹) - فازهای سه گانه اجرای روش تحقیق

منبع: نویسنده

## پ - تجزیه و تحلیل داده‌ها

### ۱- پایش روندهای دولت‌سازی داعش در افغانستان

حضور داعش در افغانستان در دوران حکومت وحدت ملی از ولسوالی (شهرستان) اچین ننگرهار شروع شد. این گروه در اولین اقدام خود گروهی را که به گفته خود داعش، اعضای گروه طالبان بودند؛ به گونه‌ی دسته‌جمعی با بمب منفجر کردند. این گروه در نمایش خشم و خشونت بر طالبان پیشی گرفت و با انجام حمله‌های انتحاری بر مسجدهای شیعیان کشور ثابت کردند که راه داعشیان عراق و سوریه را می‌روند.

دبیرکل سازمان همکاری شانگهای ضمن ابراز تأسف از منتقل شدن جنگجویان عراق و سوریه به افغانستان مدعی است؛ «...تعداد جنگجویانی که به شمال کشور [افغانستان] می‌رسند در حال افزایش

است» (Anadolu Agency, 2020). طبق آخرین آمار موجود گروه تروریستی داعش، در ولایات ننگرهار (۱۰۰۰ نفر)، کنر (۷۴۷ نفر)، جرجان (۶۰۰ نفر)، سرپل (۳۰۰ نفر)، غور (۱۰۰ نفر)، غزنی (نا مشخص)، بدخشان (۵۰۰ نفر) و پروان (۱۰۰ نفر) فعالیت دارد (خبرگزاری آوا، ۱۳۹۷/۰۱/۳۰). برخی از تحلیلگران نگران تجدید حیات دولت اسلامی در افغانستان هستند. آنها عواملی از قبیل جذابیت سلفی‌گری در افغانستان، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور، سرکوب دولت، محرومیت و آموزه‌های ایدئولوژیک را در این امر دخیل می‌بینند. نیروهای امنیتی افغانستان بر این عقیده هستند که طالبان و شبکه حقانی در این کشور ممکن است با خشونت خاص خود از داعش حمایت کنند (Mir, 2020: 13-15).

از اینرو تصویری که از داعش در غرب آسیا، یعنی سوریه و عراق و ناحیه‌های دیگر کشورهای عربی وجود دارد؛ در ارتباط با افغانستان صحیح نیست. واقعیت این است که یک نوع داعش بومی از گروه‌هایی که از طالبان، شبکه حقانی، القاعده یا از گروه‌های پاکستانی جدا شده‌اند؛ تشکیل گردیده که به داعش اعلام وفاداری کرده‌اند. این گروه‌ها در حال حاضر در افغانستان فعال هستند؛ این به این معنی است که یک داعش بومی در افغانستان وجود دارد که خود را زیرمجموعه داعش به حساب می‌آورند و پرچم داعش را برافراشته‌اند. بنابراین تفاوتی به لحاظ نیروهای که به عنوان داعش در افغانستان شناسایی شدند و آنچه در غرب آسیا اتفاق افتاد؛ وجود دارد؛ اما اهداف این دو جریان یکی است.

جریان اصلی داعش به دنبال خلافت بود؛ خلافت، در دو بخش دنیای اسلام را در نظر داشت. یکی خلافت در غرب آسیا که موصل اعلام شد و یکی خلافت خراسان بزرگ بود (که بر مبنای برداشت تاریخی بحث خراسان بزرگ را مطرح کردند). خراسان بزرگ، از آسیای مرکزی تا مسلمانان روسیه گرفته تا مسلمانان چین، پاکستان، افغانستان، هند گرفته و تا شرق آسیا و جنوب آسیا می‌رود که بعد اندونزی و مالزی را در بر می‌گیرد. در هر حال، بخش گسترده‌تر خلافت خراسان در افغانستان مطرح می‌شود؛ البته غیر از این نیروها، نیروهایی که در عراق و سوریه جنگیدند، به خصوص «نهیض اسلامی حزب التحریر» یا افرادی از تاجیکستان و چین، بعد از شکست داعش در عراق و سوریه، به افغانستان منتقل می‌شوند. چرا که بخشی که از اتباع کشورهای مرکزی یعنی افغانستان و پاکستان و هند و ... به افغانستان بازگشته و این کشور را مکان مناسبی برای فعالیت می‌بینند (ملازهی، ۱۳۹۶/۱۰/۲۵).

از سویی، محق معتقد است؛ بستر حضور و نفوذ طالبان و داعش در افغانستان همانند نیست. طالبان در مناطق قبایلی افغانستان، مانند مناطق قبایلی پاکستان، زمینه‌های حضور طبیعی بیشتری داشتند و هنوز هم دارند. داعش از این نظر متفاوت است؛ داعش خاستگاه قومی نداشته و اتکای آن به دو عنصر ایدئولوژی و اقتصاد است. این گروه در جاهایی از افق فکری مخاطبان خود کار می‌گیرد و در جاهایی نیز به استخدام برخی عناصر متوسل می‌گردد که با پول قابل خریداری هستند. به لحاظ ایدئولوژیک شباهت‌هایی میان طالبان و داعش وجود دارد؛ اما داعش، گرایش‌های سلفی بیشتری از نوع تکفیری دیده می‌شود. سابقه داعش در افغانستان همانند پیشینه تاریخی طالبان نیست. این گروه به جذب عناصری افراطی از میان طالبان، حزب التحریر، القاعده، اخوان المسلمین و گروه‌های مشابه آنان دست می‌زند و گاهی نیز از میان مردم به سربازگیری می‌پردازد که به هیچ یک از گروه‌های یاد شده گرایش ندارند و تنها به خاطر عامل فقر و بیکاری آماده هستند در خدمت گروه‌های نظامی قرارگیرند (محق، ۱۳۹۴/۰۷/۱۹).



نگاره شماره (۱۰) - حملات داعش علیه شیعیان ولایت هرات افغانستان در ۱۳۹۶

منبع: خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۷

به گزارش خبرگزاری شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان، زلمی خلیلزاد (فرستاده ویژه ایالات متحده آمریکا به افغانستان) طی یک سفر به پاکستان با سران دولت پاکستان و ارتش این کشور توافق نموده که رهبران طالبان به دولت افغانستان نزدیک گردیده و گفتگوها را با دولت افغانستان آغاز کنند. در این میان، آمریکا نیز ناظر بر گفتگوها خواهد بود. از سویی، جهت رفع نگرانی پاکستان برای از دست دادن طالبان، به پاکستان وعده داده شده است تا تمامی هماهنگی‌های داعش از طریق اعراب با آنان انجام شده و مانند طالبان تمامی رهبران داعش نیز در پاکستان مستقر شوند و از سران ارتش این کشور برای عملیات و هرنوع تحرک دیگر در داخل افغانستان اجازة بگیرند. با عملی شدن این راهبرد، همه طرف‌های دخیل در افغانستان سود می‌برند و فقط در این میان سر اروپایی‌ها، چین، روسیه [و ایران] بازهم مانند گذشته بی‌کلاه خواهد ماند. بدین ترتیب که آمریکا با تقویت داعش در افغانستان، رقبای این گروه که تا اندازه‌ای مانع فعالیت‌های تخریبی‌شان شده بودند؛ را از سر راه بر می‌دارد. از جانب دیگر با گسترش فعالیت‌های داعش، ناامنی‌ها بیشتر می‌شود و آمریکایی‌ها در پناه این ناامنی‌ها در راستای منافع استراتژیک خود حرکت می‌کنند.

ضمن اینکه نفوذ پاکستان نیز مانند گذشته و حتی قوی‌تر از آن در افغانستان حفظ می‌شود. زیرا با متصل شدن طالبان به بدنه حکومتی افغانستان، به تعداد نیروهای نفوذی پاکستان در حکومت افغانستان افزوده شده و داعشی‌ها با هماهنگی آمریکایی‌ها و دلارهای اعراب در کنترل پاکستانی‌ها قرار خواهند گرفت (شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان، ۱۳۹۷/۰۷/۱۷).

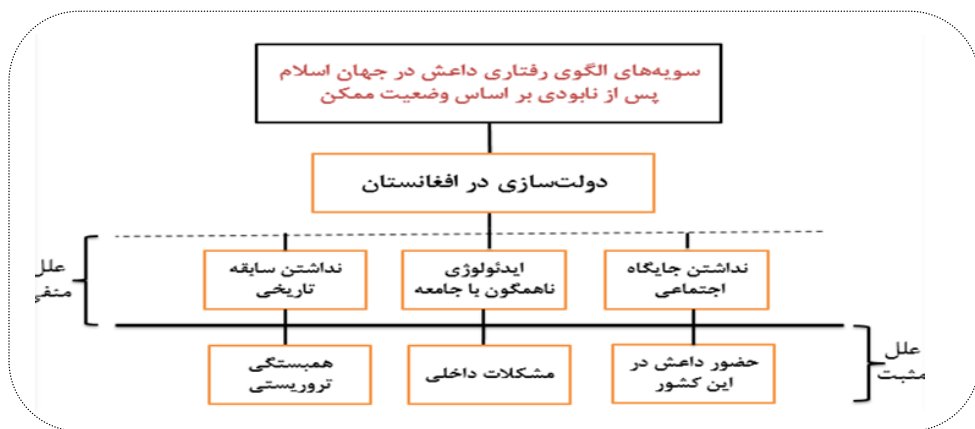
در همین راستا به عقیده شفیع تقویت داعش در دستور کار راهبردی ایالات متحده وجود دارد و همین شرایط باعث شده است که نگرانی‌های اساسی در نیروهای سیاسی و امنیتی روسیه، چین و ایران شکل گیرد. لذا برای پیشگیری از چنین اوضاعی باید شرایط افغانستان مدیریت گردد. نکته مهم‌تر آن که افزایش و توسعه ناامنی در مناطق پیرامونی افغانستان به سود چه کشورهایی و به زیان چه بازیگرانی است؟ پر واضح است که اگر ناامنی در افغانستان به گونه‌ای گسترش پیدا کند که چین، روسیه، آسیای میانه و ایران درگیر شوند؛ این مسئله در جهت منافع ایالات متحده آمریکا که در این منطقه حضور ندارد؛ خواهد بود. چون به موازات رشد ناامنی، شرایط برای افول رقبای واشنگتن شکل خواهد گرفت. پس بدیهی است که آمریکا برنامه‌هایی برای تقویت داعش در خاک افغانستان داشته باشد؛ لذا مسکو، پکن و تهران سعی می‌کنند؛ از طریق طالبان، پدیده داعش را کنترل و مدیریت کنند (شفیعی، ۱۳۹۷/۱۰/۱۱).

از همین رو، جمهوری اسلامی ایران، همواره برای ایجاد و گسترش صلح در افغانستان تلاش نموده است. چون هرگونه ناامنی در افغانستان و دیگر کشورهای همسایه ایران تأثیرات مستقیم و مخرب خود را بر امنیت کشور خواهد داشت. اما با در نظر گرفتن گسترش فعالیت مدارس افراطی تکفیری در افغانستان و حملات متعدد گروه تروریستی داعش به شیعیان به ویژه در این ولایت، احتمال سوءاستفاده برخی از جریانات و اشخاص ذینفوذ افغانستانی به ویژه گلبدین حکمتیار از این فضا وجود دارد تا اهداف خود را برای ایجاد اختلافات مذهبی بر اساس هدایت عربستان در افغانستان اجرایی کند. «عظامحمد نور» رئیس اجرایی "حزب جمعیت اسلامی" افغانستان نیز ضمن ابراز نگرانی نسبت به توطئه‌های سازمان‌یافته جهت ایجاد ناامنی و دامن زدن به اختلافات در این کشور معتقد است که تمام اختلاف‌های قومی و مذهبی حکمتیار و واکنش‌های او در برابر شیعیان و دولت ایران، هیچ پیامی جز «شیعه‌کشی» نخواهد داشت. چرا که به اعتقاد نور، حکمتیار با گروه تروریستی داعش بیعت نموده و برای اظهارات ضد شیعی علیه جمهوری اسلامی ایران، از کشورهای عربی بودجه دریافت می‌نماید.

## ۲- سناریوی اصلی الگوی امنیت راهبردی (پیش‌بینی اولیه)

به علت شرایط خاص ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی افغانستان، این امکان وجود دارد؛ داعش در این سرزمین مبادرت به دولت‌سازی نماید. در واقع طبق این وضعیت افغانستان با وجود داشتن مشکلاتی از قبیل بی‌ثباتی سیاسی، وجود فقر، رسوخ راهبردی کشورهای نظیر ایالات متحده، عربستان و پاکستان در آن و وجود مدارس دینی افراط‌گرا از این ظرفیت برخوردار است تا گروه تروریستی داعش با اشغال بخشی از سرزمین آن دولت تشکیل دهد. نویسنده برای فهم احتمال وقوع دولت‌سازی داعش در افغانستان بر اساس منابع الگوی امنیت راهبردی سه پیش‌بینی را در نظر گرفته؛ میزان حمایت جامعه افغانستان از داعش تا ۱۴۰۴؛ (به ترتیب کم، متوسط، زیاد) میزان احتمال بیعت داعش با سایر گروه‌های تروریستی تا ۱۴۰۴؛ (به ترتیب کم، متوسط، زیاد) میزان تأثیر بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان بر دولت‌سازی داعش تا ۱۴۰۴؛ (به ترتیب کم، متوسط، زیاد).

در ادامه میزان احتمال وقوع دولت‌سازی داعش در افغانستان بر اساس نظر نخبگان مدون و مصور گردیده است.



نگاره شماره (۱۱) - الگوی رفتاری داعش بر اساس وضعیت ممکن تا ۱۴۰۴

منبع: نویسنده

### ۳- تحلیل تأثیر روندها الگو از منظر نخبگان (پایایی سناریوی الگو)

در این بخش از مقاله به تحلیل تأثیر پیش‌بینی‌های<sup>۱</sup>:

- امکان حمایت جامعه افغانستان از داعش تا ۱۴۰۴: به ترتیب کم (۱)، متوسط (۲)، زیاد (۳)؛
  - امکان بیعت داعش با سایر گروه‌های تروریستی تا ۱۴۰۴: به ترتیب کم (۱)، متوسط (۲)، زیاد (۳)؛
  - امکان تأثیر بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان بر دولت‌سازی داعش تا ۱۴۰۴: به ترتیب کم (۱)، متوسط (۲)، زیاد (۳): (به ترتیب کم، متوسط، زیاد)؛
- بر سناریوهای دولت‌سازی داعش در افغانستان، پرداخته خواهد شد. این امر به واسطه توزیع پرسشنامه از ۱۵ متخصص در امور روابط بین‌الملل و علوم سیاسی حاصل شده است.

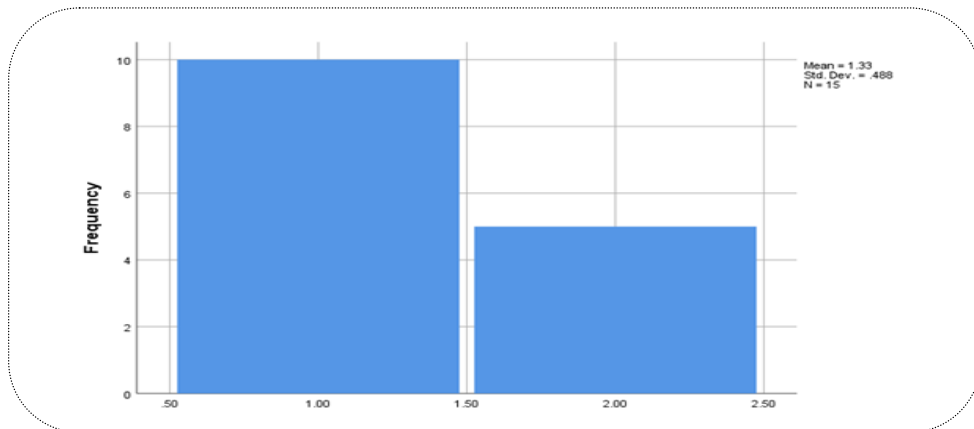
#### ۳-۱- میزان حمایت جامعه افغانستان از داعش تا ۱۴۰۴

همانطور که در نمودار زیر مشخص است؛ بیشتر نخبگان احتمال حمایت جامعه افغانستان از

.....  
 ۱. پیش‌بینی‌ها مجموعه‌ای از نیروهای شکل‌دهنده به آینده‌اند که به صورت جهانی یا محلی، بر آینده‌های مختلف تأثیر می‌گذارند. پیش‌بینی‌ها به صورت غیرمستقیم بر آینده حوزه‌های اجتماعی، فناورانه، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی تأثیر می‌گذارند (البرزی دعوتی و نصراللهی، ۱۳۹۷: ۱۱۰). پیش‌بینی‌های حاضر در این پژوهش، حاصل استخراج داده‌ها از منابع الگوی امنیت راهبردی است و غیر قطعی نیستند، اگرچه امکان آنها کم و زیاد است.

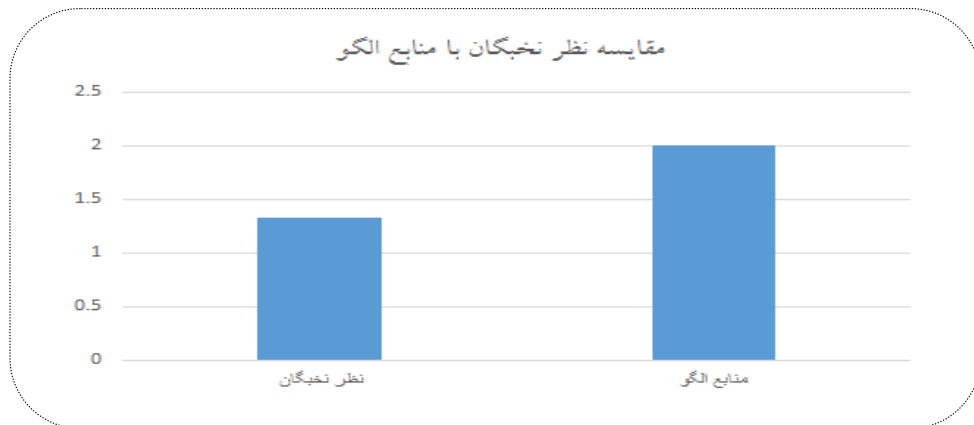


داعش تا ۱۴۰۴ را ضعیف (۱) متمایل به ممکن (۲) دانسته و هیچکدام این امکان را محتمل (۳) تلقی نکردند.



نمودار شماره (۱) - میزان حمایت جامعه افغانستان از داعش تا ۱۴۰۴ از دید نخبگان

منبع: نویسنده

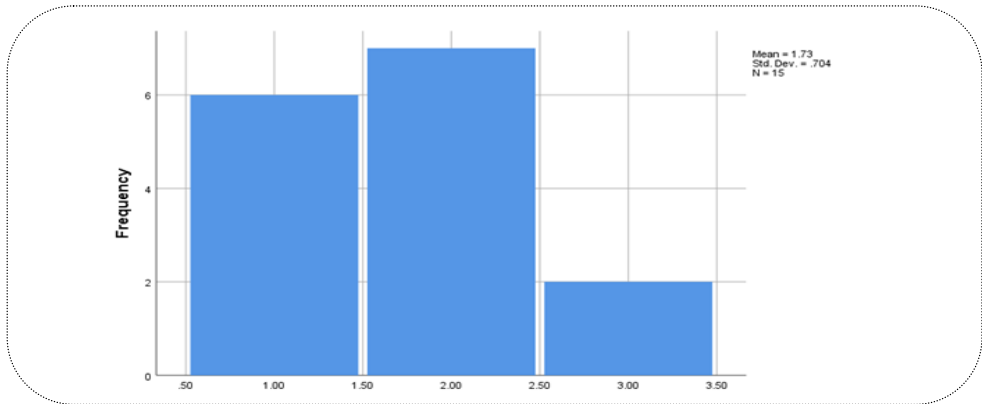


نمودار شماره (۲) - مقایسه میانگین نظر نخبگان و منابع الگو (جامعه افغانستان)

منبع: نویسنده

منابع الگوی امنیت راهبردی هم همانطور که در ادبیات پژوهش مشخص شد؛ احتمال وقوع چنین امری را ممکن (متوسط) تحلیل کرده بود. در واقع، بستر حضور و نفوذ داعش نسبت به طالبان از سوی جامعه افغانستان همانند نیست.

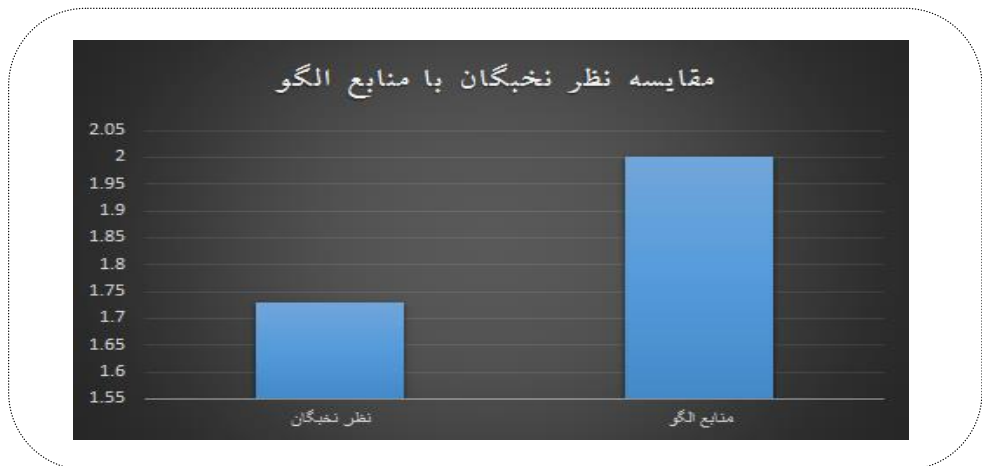
### ۳-۲- احتمال بیعت داعش با سایر گروه‌های تروریستی در افغانستان تا ۱۴۰۴



نمودار شماره (۳) - میزان احتمال بیعت داعش با تروریسم در افغانستان از نظر نخبگان

منبع: نویسنده

همانطور که در نمودار بالا مشخص است؛ بیشتر نخبگان احتمال بیعت داعش با تروریسم و تأثیر آن را بر دولت‌سازی داعش در افغانستان تا ۱۴۰۴ را ممکن (۲) دانسته‌اند.

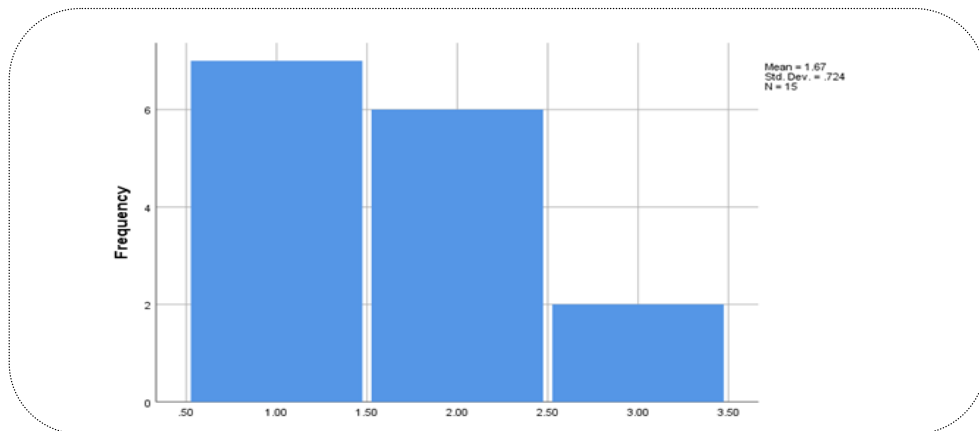


نمودار شماره (۴) - مقایسه میانگین نظر نخبگان و منابع الگو (همکاری با گروه‌های تروریستی)

منبع: نویسنده

منابع الگوی امنیت راهبردی هم همانطور که در ادبیات پژوهش مشخص شد، احتمال وقوع چنین امری را متوسط (ممکن) تحلیل کرده بود.

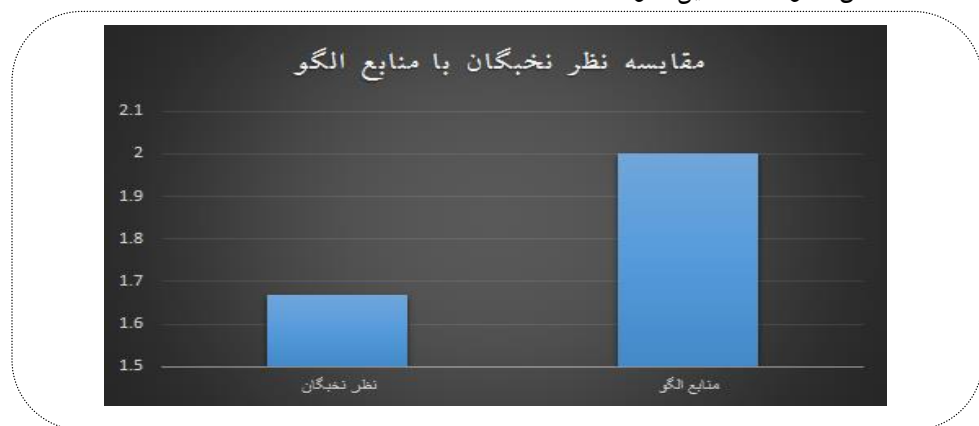
### ۳-۳- میزان تأثیر بی ثباتی سیاسی در افغانستان بر دولت‌سازی داعش تا ۱۴۰۴



نمودار شماره (۵)- میزان تأثیر بی ثباتی افغانستان بر دولت‌سازی داعش از نظر نخبگان

منبع: نویسنده

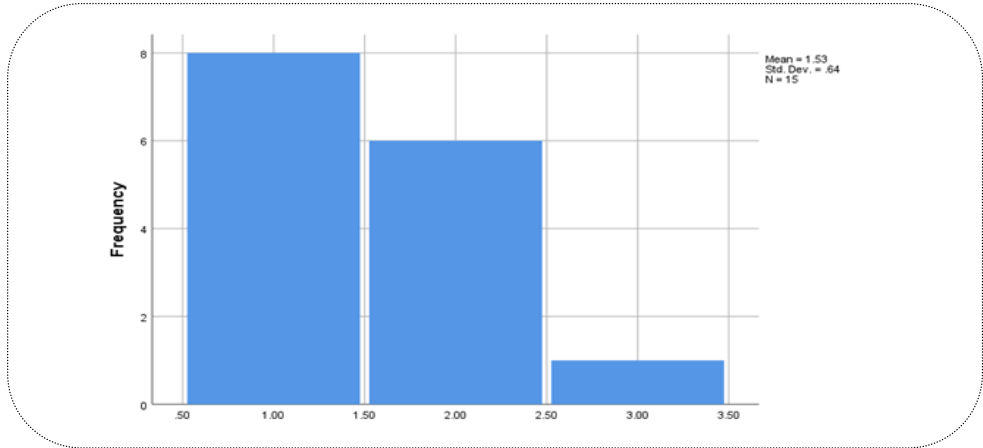
همانطور که در نمودار بالا مشخص است، بیشتر نخبگان احتمال تأثیر بی ثباتی سیاسی در افغانستان بر دولت‌سازی داعش تا ۱۴۰۴ را بیشتر ضعیف (۱) و متوسط (۲) دانسته‌اند. این در حالی است الگوی امنیت راهبردی احتمال تأثیر بی ثباتی سیاسی در افغانستان بر دولت‌سازی داعش تا ۱۴۰۴ را ممکن (متوسط) تحلیل نموده است.



نگاره شماره (۶)- مقایسه میانگین نظر نخبگان و منابع الگو (تأثیر بی ثباتی در افغانستان)

منبع: نویسنده

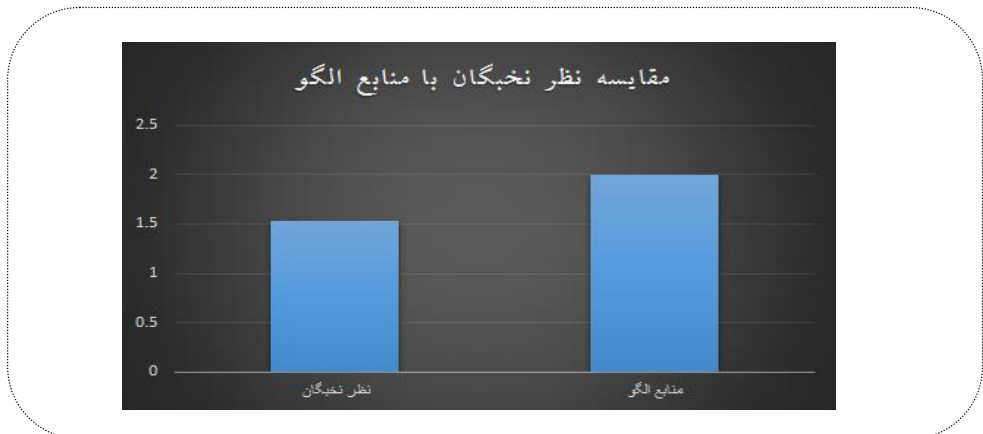
### ۳-۴- احتمال دولت‌سازی داعش در افغانستان تا ۱۴۰۴



نمودار شماره (۷) - احتمال دولت‌سازی داعش در سوریه تا ۱۴۰۴ از دید نخبگان

منبع: نویسنده

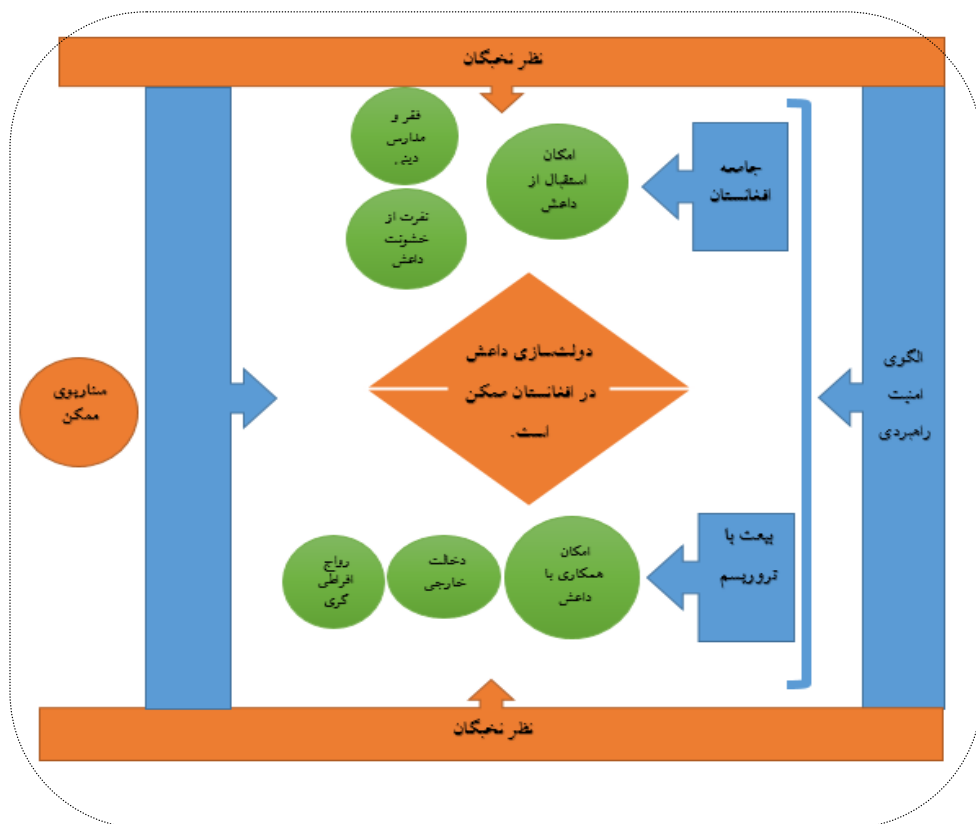
همانطور که در نمودار بالا مشخص است، بیشتر نخبگان احتمال دولت‌سازی داعش در افغانستان را بین کم و متوسط دانسته‌اند. الگوی امنیت راهبردی نیز احتمال دولت‌سازی داعش در افغانستان را داعش تا ۱۴۰۴ را ممکن (متوسط) تحلیل نموده است.



نمودار شماره (۸) - احتمال دولت‌سازی داعش در سوریه تا ۱۴۰۴ از دید نخبگان و منابع الگو

منبع: نویسنده

مقایسه خروجی منابع الگوی امنیت راهبردی و نظر نخبگان در ارتباط با دولت‌سازی داعش در افغانستان تا ۱۴۰۴ در قالب سناریوی ممکن نشان می‌دهد؛ به دلیل ممکن بودن (در نوسان بودن بین ضعیف تا متوسط) حمایت جامعه افغانستان از گروه تروریستی - تکفیری داعش؛ به دلیل ممکن بودن بیعت داعش با تروریسم و تأثیر آن بر دولت‌سازی داعش در افغانستان تا ۱۴۰۴؛ احتمال دولت‌سازی گروه تروریستی تکفیری داعش در کشور افغانستان (محیط پیرامونی و حوزه دفاعی ایران) ممکن (متوسط) است.



نگاره شماره (۱۲) - سناریوی دولت‌سازی داعش در افغانستان تا ۱۴۰۴ از دید نخبگان و منابع الگو

منبع: نویسنده

## نتیجه؛ ارائه راهبرد بر اساس کارکردهای الگو

تحلیل تهدیدات رفتارمند گروه تروریستی داعش علیه محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران تا ۱۴۰۴، در گرو تبیین راهبرد تجدیدنظرطلبانه جمهوری اسلامی ایران در قبال ساختار نظام بین‌الملل و جهان اسلام است. در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل. از طرفی دست یافتن به اهداف این سند، نیازمند محیط امن و با ثبات است که موجبات توسعه ایران و نیل به جایگاه اول اقتصادی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی را نوید می‌دهد. لذا در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، به کلیه وجوه فرهنگی، علمی، اجتماعی، سیاسی، دفاعی - امنیتی و مناسبات روابط خارجی، به مقوله دفع تهدید و پیشگیری از تنش با نگاهی آینده‌پژوهانه، عنایت خاصی گردیده است. یکی از تهدیداتی که تا ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران و محیط پیرامونی تحت‌الشعاع خود قرار داده است؛ اقدامات گروه تروریستی - تکفیری داعش است. لذا در چرایی، ریشه‌یابی و چستی این تهدیدات باید کندوکاو نمود. به طور کلی در چرایی تهدیدات باید ذکر نمود که وجه مشخصه انقلاب اسلامی در سیاست بین‌الملل، مقاومت آن در برابر نظام سلطه است. ریشه اصلی ضدیت گروه تروریستی - تکفیری داعش با موجودیت و مشروعیت جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، تنگاتنگی و همپوشانی منافع نظام بین‌الملل با منافع این گروه تروریستی در ارتباط با سیاست‌ها و راهبرد تجدیدنظرطلبانه ایران، در حوزه جهان اسلام و منطقه است. دلیل اصلی این مدعا در شباهت ساختاری و نهادینه تهدیدات نظام بین‌الملل با تهدیدات داعش (مادی، نهادی و ایدئولوژیک) است. به عبارت بهتر تهدیدات داعش علیه جمهوری اسلامی ایران منبث از تهدیدات نظام بین‌الملل است.

یافته‌های این پژوهش با مقایسه خروجی منابع الگوی امنیت راهبردی و نظر نخبگان در ارتباط با دولت‌سازی داعش در افغانستان تا ۱۴۰۴ در قالب سناریوی ممکن نشان می‌دهد؛ به علت ممکن بودن (در نوسان بودن بین ضعیف تا متوسط) حمایت جامعه افغانستان از گروه تروریستی - تکفیری داعش و به دلیل امکان بیعت داعش با تروریسم و تأثیر آن بر دولت‌سازی داعش در افغانستان تا ۱۴۰۴، احتمال دولت‌سازی گروه تروریستی تکفیری داعش در کشور افغانستان (محیط پیرامونی و حوزه دفاعی ایران) ممکن (متوسط) است.

درک هم‌راستا بودن تهدیدات غرب و داعش علیه جمهوری اسلامی ایران، زمانی بیشتر مشخص می‌گردد که جنس تهدیدات داعش علیه امنیت ملی و محیط پیرامونی ایران مشخص گردد. لذا تهدیدات داعش بسان تهدیدات نظام نومحافظه‌کاری از یک چارچوب مشخصی تبعیت نموده و در سه دسته مادی، نهادی و ایدئولوژیک قابل تقسیم‌بندی هستند. تهدیدات مادی داعش شامل تهدیدات سرزمینی، نظامی و اقتصادی هستند. لذا در پرتو الگوهای رفتاری داعش، سناریوی ضعیف در ارتباط با اقدامات آن تا ۱۴۰۴ در محیط پیرامونی و دفاعی ایران، دولت‌سازی در عراق و سوریه به علت پوشش‌های داخلی و حمایت جبهه مقاومت از این دو کشور است. اما به علت شرایط خاص ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی افغانستان، این امکان وجود دارد؛ داعش در این سرزمین مبادرت به دولت‌سازی نماید. در واقع طبق این وضعیت افغانستان با وجود داشتن مشکلاتی از قبیل بی‌ثباتی سیاسی، وجود فقر، رسوخ راهبردی کشورهای نظیر ایالات متحده، عربستان و پاکستان در آن و وجود مدارس دینی افراط‌گرا، از این ظرفیت برخوردار است تا گروه تروریستی داعش با اشغال بخشی از سرزمین آن دولت تشکیل دهد.

طالبان در مناطق قبایلی افغانستان، مانند مناطق قبایلی پاکستان، زمینه‌های حضور طبیعی بیشتری دارند. داعش از این نظر متفاوت است. داعش خاستگاه قومی نداشته و اتکای آن به دو عنصر ایدئولوژی و اقتصاد است. این گروه در جاهایی از اقناع فکری مخاطبان خود کار می‌گیرد و در جاهایی نیز به استخدام برخی عناصر متوسل می‌گردد که با پول قابل خریداری هستند. به لحاظ ایدئولوژیک شباهت‌هایی میان طالبان و داعش وجود دارد؛ اما داعش، گرایش‌های سلفی بیشتری از نوع تکفیری دیده می‌شود.

از طرف دیگر، سابقه داعش در افغانستان همانند پیشینه تاریخی طالبان نیست. اما این گروه تروریستی به جذب عناصری افراطی از میان طالبان، حزب التحریر، القاعده، اخوان المسلمین و گروه‌های مشابه آنان دست می‌زند و گاهی نیز از میان مردمی به سربرازگیری می‌پردازد که به هیچ یک از گروه‌های یاد شده گرایش ندارند و تنها به خاطر فقر و بیکاری آماده هستند؛ در خدمت داعش قرار گیرند. لذا میزان حمایت جامعه افغانستان از داعش نه زیاد و نه کم به نظر می‌رسد.

حملات متعدد گروه تروریستی داعش به شیعیان، احتمال سوءاستفاده از این فضا توسط برخی از جریان‌ات و اشخاص ذینفوذ افغانستانی به ویژه گلبدین حکمتیار وجود دارد؛ تا گروه تروریستی - تکفیری داعش اهداف خود را برای ایجاد اختلافات مذهبی بر اساس هدایت عربستان در افغانستان

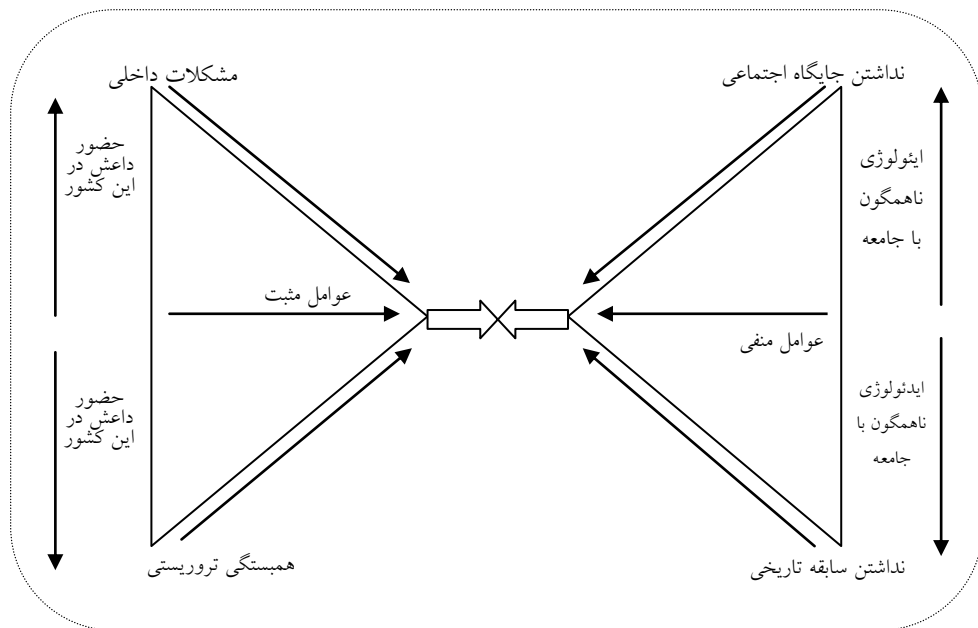
اجرای کند. توطئه‌های سازمان‌یافته جهت ایجاد ناامنی و دامن زدن به اختلافات در این کشور تمام اختلاف‌های قومی و مذهبی حکمتیار و واکنش‌های او در برابر شیعیان و دولت ایران، هیچ پیامی جز «شیعه‌کشی» نخواهد داشت. چرا که برخی از گروه‌های تروریستی با داعش بیعت نموده و برای اظهارات ضد شیعی علیه جمهوری اسلامی ایران، از کشورهای عربی بودجه دریافت می‌نمایند. بنابراین امکان اینکه گروه تروریستی - تکفیری داعش به طور سازمان‌یافته با گروه‌های تروریستی و جریان‌های افراطی ضد جمهوری اسلامی ایران بیعت نماید، وجود دارد.

در حال حاضر گروه تروریستی داعش، در ۳۰ شهرستان افغانستان حضور دارد. از اینرو تصویری که از داعش در غرب آسیا، یعنی سوریه و عراق و ناحیه‌های دیگر کشورهای عربی وجود دارد؛ در ارتباط با افغانستان صحیح نیست. واقعیت این است که در سایه بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان یک نوع داعش بومی از گروه‌هایی که از طالبان، شبکه حقانی، القاعده یا از گروه‌های پاکستانی جدا شده‌اند؛ تشکیل گردیده که به داعش اعلام وفاداری کرده‌اند. این گروه‌ها در حال حاضر در افغانستان فعال هستند؛ این به این معنی است که یک داعش بومی در افغانستان وجود دارد که خود را زیرمجموعه داعش به حساب می‌آورند و پرچم داعش را برافراشته‌اند. بنابراین تفاوتی به لحاظ نیروهایی که به عنوان داعش در افغانستان شناسایی شدند و آنچه در غرب آسیا اتفاق افتاد؛ وجود دارد؛ اما اهداف این دو جریان یکی است. در هر حال، بخش گسترده‌تر خلافت خراسان در افغانستان مطرح می‌شود؛ البته غیر از این نیروها، نیروهایی که در عراق و سوریه جنگیدند؛ به خصوص «نهضت اسلامی حزب التحریر» یا افرادی از تاجیکستان و چین، بعد از شکست داعش در عراق و سوریه، به افغانستان منتقل می‌شوند. چرا که بخشی که از اتباع کشورهای مرکزی یعنی افغانستان و پاکستان و هند و ... به افغانستان بازگشته و این کشور را مکان مناسبی برای فعالیت می‌بینند. بنابراین این امکان وجود دارد که در سایه بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان، داعش در این کشور مبادرت به دولت‌سازی نماید و این امکان بیشتر از دولت‌سازی داعش در عراق و سوریه است.

از طرفی، منابع الگوی امنیت راهبردی مشخص نمود؛ در محیط پیرامونی و حوزه دفاعی ج.ا.ا نقاط ضعف داعش عبارت‌اند از: ضعف در دولت‌سازی در غرب کشور (عراق و سوریه)، انهدام ساختار تشکیلاتی، از دست دادن مشروعیت و وجهه نزد مردم منطقه، ساختار ضعیف نظامی. همچنین منابع الگوی امنیت راهبردی مشخص نمود؛ در محیط پیرامونی و حوزه دفاعی ج.ا.ا نقاط قوت داعش عبارت‌اند از: احتمال تثبیت در شرق کشور (پاکستان و افغانستان)؛ تقویت ساختار ترور، برخورداری



از حمایت نظام سلطه و عضوایی و همبستگی با سایر گروه‌های تروریستی.

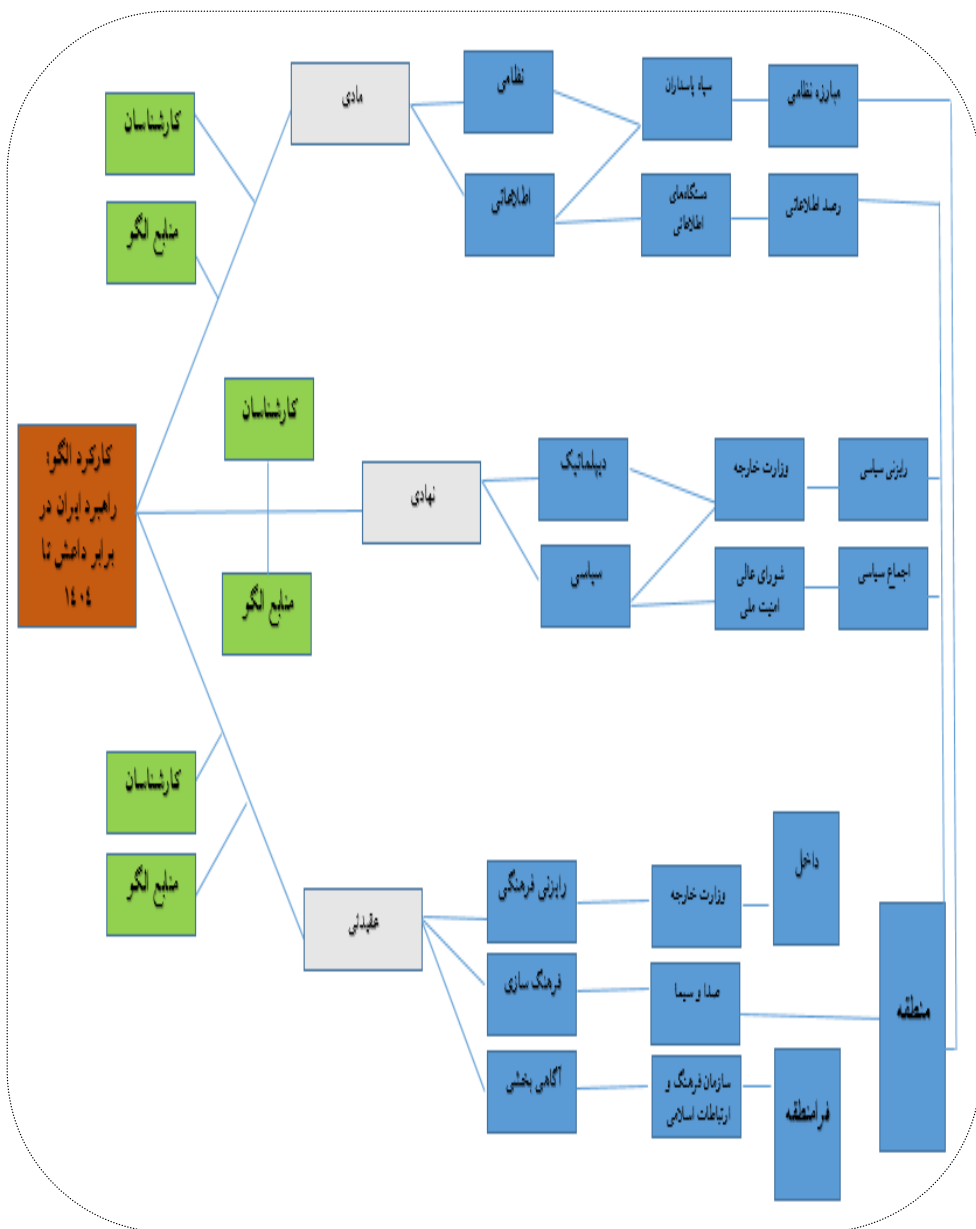


### نگاره شماره (۱۳) - سناریوی ممکن: دولت‌سازی داعش در افغانستان بر اساس منابع الگو

منبع: نویسنده

همچنین منابع الگوی امنیت راهبردی مشخص نمود؛ در محیط پیرامونی و حوزه دفاعی نقاط قوت ج.ا. عبارت اند از: همبستگی کشورهای حوزه مقاومت با ایران در برابر داعش، همبستگی روسیه با ایران در برابر داعش، توان نظامی بالا در برابر داعش در محیط پیرامونی و توان سیاسی و اطلاعاتی بالا در برابر داعش در محیط پیرامونی. در راستای کارکرد الگوی امنیت راهبردی و بر اساس دو مؤلفه: نقاط ضعف و قوت داعش (منابع الگوی امنیت راهبردی) و نقاط ضعف و قوت جمهوری اسلامی ایران در برابر داعش (منابع الگوی امنیت راهبردی)، اقدامات زیر لازم و بایسته هستند.

- ۱- مبارزه مادی با گروه تروریستی - تکفیری داعش با به‌کارگیری کلیه ظرفیت‌ها مانند:
  - تلاش برای قطع ارتباطات گروه تروریستی - تکفیری داعش با سایر گروه‌های تروریستی - تکفیری بالانحص از سمت مرزهای شرقی؛
  - رصد و پایش دقیق ارتباطات سازمان‌های اطلاعاتی محافظه کار (محور غربی، عبری، عربی) با



نگاره شماره (۱۴) - کارکرد الگوی امنیت راهبردی در برابر داعش در افغانستان تا ۱۴۰۴

منبع: نویسنده

- گروه تروریستی - تکفیری داعش؛
- ۲- مبارزه نهادی (ایجاد ائتلاف و اتحاد) با گروه تروریستی - تکفیری داعش در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- کمک به فرایند ایجاد ثبات سیاسی در کشورهای پیرامونی و حوزه دفاعی بالادست کشور افغانستان؛
- تلاش برای استفاده از ظرفیت‌های ملت‌های منطقه (اطلاعاتی، اقتصادی، نظامی و ...) در مبارزه گروه تروریستی - تکفیری داعش؛
- ۳- استفاده از تمامی ظرفیت‌ها و امکانات اعتقادی و فرهنگی در مبارزه با این گروه تروریستی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مانند:
- رصد و پایش دقیق از مناطقی از حوزه دفاعی و محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به خصوص شرق کشور که هدف دستگاه تبلیغاتی گروه تروریستی - تکفیری داعش قرار گرفته‌اند؛

## منابع

### الف- فارسی

- اخوان کاظمی، مسعود؛ صادقی، سیدشمس‌الدین و نیکونهاد ایوب، (۱۳۹۷)، «آینده‌پژوهی گروه‌های تکفیری و تأثیر آنها بر منازعات منطقه‌ای در غرب آسیا»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۶، شماره ۲۴، صص، ۲۱۴-۱۹۱.
- اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی، حسینعلی، (۱۳۹۵)، «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۵، شماره ۱۸، صص، ۱۴۱-۱۲۳.
- افتخاری، اصغر و صدقی، ابوالفضل، (۱۳۹۵)، «گذار از علوم امنیتی سکولار به نظریه امنیت شریعتمدار»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۹، شماره ۳۲، صص، ۳۳-۵.

- اکرمی‌نیا، محمد، (۱۳۹۲)، «راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۶، شماره ۲، صص ۳۳-۶۰.
- البرزی دعوتی، هادی و نصراللهی، اکبر، (۱۳۹۷)، «تحلیل روندها و پیش‌رانه‌های مؤثر بر خبر صدواوسیما در ۵ سال آینده»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، سال ۲۵، شماره ۲، صص ۱۰۳-۱۲۷.
- بخشی شیخ‌احمد، مهدی، بهاری، بهنام و وهاب‌پور، پیمان، (۱۳۹۲)، «بررسی ایدئولوژی گروه تکفیری- وهابی دولت اسلامی عراق و شام (داعش)»، *فصلنامه علوم سیاسی*، دوره ۱۶، شماره ۶۴، صص ۱۵۴-۱۳۳.
- توافق خلیزاد با پاکستان: داعش بجای طالبان، (۱۳۹۷/۰۷/۱۷)، *خبرگزاری شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان*، کد خبر: ۱۵۵۲۲۸، (زمان دسترسی به تارنما: ۱۳۹۷/۰۹/۱۴).
- توکلی، یعقوب و کریمیان کریمی، نوراله، (۱۳۹۷)، «پیوند فکری تکفیری‌های داعش با حکومت امویان»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۸، شماره ۴، صص ۸۸۸-۸۷۱.
- جنوبی، پیمان، (۱۳۹۳/۰۷/۰۶)، «نقشه سیاسی آینده نفت جهان از شیل‌های نفتی تا داعش»، *پایگاه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی‌شاننا*، (زمان دسترسی به تارنما: ۱۳۹۸/۰۳/۱۰).
- جوادی ارجمند، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست خارجی ج.ا.ا در دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای»، *فصلنامه سیاست*، سال ۳۹، شماره ۱، صص ۹۰-۶۷.
- «حملات تروریستی داعش علیه شیعیان افغانستان در سال ۹۶ در یک نگاه» *خبرگزاری تسنیم*، (۱۳۹۷/۰۲/۰۳)، (زمان دسترسی به تارنما: ۱۳۹۹/۰۳/۰۲).

- حیدری، الهام، (۱۳۹۴)، «کالبد شکافی جریان «داعش» بررسی زمینه‌های ذهنی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی»، فصلنامه حبل‌المتین، دوره ۳، شماره ۹، صص، ۱۱۸-۱۰۱.
- خانی، حسین، (۱۳۹۷)، «داعش و نگاه ایرانی به امنیت منطقه‌ای؛ در جست‌وجوی چارچوبی تحلیلی»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۷، شماره ۲۶، صص، ۲۲۰-۱۹۵.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و شفیعی سیف‌آبادی، محسن، (۱۳۹۴)، «آینده‌گروهک‌های تکفیری و راهکارهای ثبات‌بخش دولت سوریه و عراق»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۴، شماره ۱۴، صص، ۲۲۷-۱۹۹.
- شفیعی، نوذر، (۱۳۹۷/۱۰/۱۱)، «همکاری ایران و طالبان برای دفع داعش است؟»، پایگاه تحلیلی و خبری دیپلماسی ایرانی، کد: ۱۹۸۰۸۹۹، (زمان دسترسی به تارنما: ۱۳۹۷/۱۰/۱۴).
- شهسوار، روح‌الله، (۲۰۱۸)، «نقشه مرزهای فعلی ایران، مرزهای رسمی و غیررسمی منتشر شده در لوموند دیپلماتیک»، (زمان دسترسی به تارنما: ۱۳۹۸/۰۱/۱۲).
- صالحی، سیدجواد و مرادی نیاز، فاتح، (۱۳۹۵)، «بنیادگرایی اسلامی داعش - القاعده: تمایزهای ساختاری و ایدئولوژیکی»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۸، صص، ۸۵-۱۱۰.
- عباسی، علی‌اصغر، ساکن، حسام و بهرامی، محسن، (۱۳۹۳)، «تحلیل تأثیر روند در آینده‌پژوهی»، تهران: سومین همایش ملی آینده‌پژوهی.
- قلمرو داعش تا کجاست، (۱۳۹۷/۰۱/۳۰)، خبرگزاری صدای افغان (آوا)، گزارش نظامی و سیاسی، (زمان دسترسی به تارنما: ۱۳۹۷/۱۲/۱۰).

- کسرائی، محمدسالار و داوری مقدم، سعیده، (۱۳۹۴)، «برآمدن داعش در غرب آسیا: تحلیلی جامعه‌شناختانه»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۷، شماره ۱، صص، ۲۱۶-۱۹۱.
- محق، محمد، (۱۳۹۴/۰۷/۱۹)، «وضعیت آینده حضور داعش و طالبان در افغانستان»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، (زمان دسترسی به تارنما: ۱۳۹۷/۰۹/۲۱).
- ملازهی، پیرمحمد، (۱۳۹۶/۱۰/۲۵)، «آینده جایگاه داعش در افغانستان»، خبرگزاری پارس تودی، (زمان دسترسی به تارنما: ۱۳۹۷/۰۹/۲۳).
- نجات، سیدعلی، (۱۳۹۵)، کالبدشکافی داعش (ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها، و پیامدها)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

## ب- انگلیسی

- Akbarzadeh, S. (2015). Iran and Daesh: the case of a reluctant Shia power. *Middle East Policy*, 22(3), 44-54.
- Anadolu Agency. (2021), "Daesh/ISIS militants move to Afghanistan", <https://www.aa.com.tr/en/asia-pacific/daesh-isis-militants-move-to-afghanistan/2127773>
- Esfandiary, D., & Tabatabai, A. (2015). Iran's ISIS policy. *International Affairs*, 91(1), 1-15.
- Greaves, S. (2008). Strategic Security as a New Academic Discipline. *Journal of Strategic security*, 1(1), 7, pp. 7-20.
- Mäkinen, K. (2005). Strategic security. A Constructivist Investigation of Critical Security and Strategic Organisational Learning Issues: Towards a Theory of Security Development, Finnish National Defence College, Department of Education Research Centre for Action Competence, Identity, and Ethics ACIE.

- Mir, A. (2020). Afghanistan's Terrorism Challenge: The Political Trajectories of Al-Qaeda, the Afghan Taliban and the Islamic State. *Middle East Institute*, October, 20.
- Nader, A. (2015). Iran's Role in Iraq. *RAND*: Santa Monica.